

چندین بار در این روزها در این شهر  
 آریا آنتون بجز سفاج خجور طرا میدان تالانت  
 و ستار دشمنان خواهد کرد؛ افسوس که این خاک  
 مقدس و خواجگاه ما را حقه زشک نیست برینست  
 اسلاف ما خلف میخوانند بدل مجسم نباید  
 عجیباً تا ایرانیان که بیست و هفت از حیات میزنیم  
 باین استغابات ذمیراتش و این توحشاتی جگر سوز  
 چون باک اجداد و بدرای خود که با کمال شرف  
 و ناموس در این خاک مقدس خفته چه پاسخ خواهیم  
 داد؟ آیا در پشتگاه آمان در رات ذمه خود چه  
 وثیقه و عذر و دست آویز آفاده داریم؟ بلی  
 ما ما خلف فرزندانیم که وطن مقدس خود را بدین  
 حال افلاکت اشغال دچار نموده ایم - ما بچس مردمیم  
 که در سینه امراض نفسانی اختلاف و خناق داخل  
 را دعوت و در آسایه ودالت هرگونه مظلوم بیگانگان  
 را بر خود بستیده بلکه با کمال پیدری در جلب آن  
 بی آرامیم

بدیهی است که احباب هرگز سعادت و  
 و ترقی ما را آرزو نمیکند، بلکه روشن و حویله است  
 پیوسته در خیال سعادت خاطر خود هرگونه افکار ناگواری  
 را در حق وطن گرامی ما می پرورند - اما اگر  
 در ما بی حسان و الجله آثار اتفاق و ترقی مشهود  
 آید کافه تصورات آنان مباح و ممد خواهد گردید،  
 ایست که هر دم نیرنگی بکار برده و جهت  
 مداخله که سد ترقی و تنالی ما تواند بود بهانه  
 جوش و بهزادان گونه و سایل خارج از وجهه  
 انسانیت و انصاف متوسل میگردند

عجب اینجا است که ما بی حیتان بخودی خود  
 این فرصت و بهانه را جهت دشمنان همه چیز خود  
 مهیا و خدمت ایشان تقدیم مینماییم

اگر ما بی وجدانان با خلوص نیت و صدق  
 عقیدت اتحاد و ورزیده دست برآدری بهم داده و  
 همگی خود را فرزند یک آب و خاک بشمار آورده  
 و مردانه وار در حفظ ناموس وطن و عثمانیات  
 و استقلال ملی انبازی و بجهان و دل میکوشیدیم  
 هرگز جهت اجرای افکار ظالمانه و بلکه غدارانه  
 اجاب رمیدات بدست نمی آمد و اینگونه وسیله  
 بکار بردن امراض نفسانی از برای آنان بمحصول  
 مایه میخواست

در محظوم است همیشه زشتیها از ما دولتی مستبدین  
 نشسته مینماید - لذا آولو و سایر میگوئیم، این مستبدین  
 چشم تو گوشتی خورد او را لذت نموده با چشمه آبی روا  
 بدلت هر چه تمام نمی - ملاحظه نمودیم اها که تا این  
 لوق حضرات مستبدین خاطر جمع مینمایند که دیگر  
 ایران را استقلال قوم قدیم ایران در میان نباشد نه  
 مستبد باقی خواهد ماند و نه استبداد با نظر عبودیت  
 در حال گذشته و کنونی احالی نطق از و قریب و  
 قران و ترکستان و حبشه و بخارا و هند و جزایر  
 فکریسته و در پیش چشم خود مجسم نمایند و به بنید  
 اینک بر بادشاهان و راجکان و شاهزادگان و امرا  
 و خوانین و بزرگان آن اقوام که تحت تاناف  
 مانعای سبز نشان داده و بدام نیرنگ خود گرفتار  
 نموده اند چه میگردد، از هو نام خانواده کی و  
 برینان و یستی و سر افکنگی و ذلت و خاری آنان  
 درس عبرت بگیرد

گویا اینک مبلعات عمده بر خود می نالید که روزی  
 خواهد آمد در مقابل این خدمت اسلام و وطن  
 و ناموس برآمده که جهت احاب عمده آید بمکافات  
 نایل خواهید گشت و در بهای این وطن و دین  
 فروشی کیسه و دامن شمارا آکنده خواهند ساخت،  
 اشتباست اشتباه.

ای بیچارگان گمراه بعد از گم کردن بهریت  
 و شرفی که در بر تو استقلال ملی مالک بودید  
 دیگر نفسینه اعتبار و عبرت نخواهید یافت و دلول  
 کسبیک بیگانگان بوجه سیاست، آمانت و محو  
 خواهند کرد شما خواهد بود - شما را امروز  
 اجانب آلت خود قرار داده در حراب وطن و محو  
 ناموس و شرف و دیانت خودتان استعمال مینمایند -  
 ولی پس از آنکه مقصود آمان حاصل شد شرف  
 و ناموس و ملیت و اسلامیت را با دست شما محو  
 نمودند، وجود بی شرف شما را جهت تأمین استقبال  
 و استقلال خودشان یک آلت اول محو و نابود  
 خواهند ساخت - زیرا از برای آنان در خیانت  
 پیشه بودن شما بهیچوجه شبهه باقی نخواهد بود و  
 متن معروف را از نظر دور نخواهند داشت

( کسی که با ما .... با دیگران جفا کند )  
 ای حضرات آزادی طلبان طریقه آزادی و  
 ترقی و برتری جستن جزانست مگر شما برای وطن

گراسی و آب و خاک باک خود خواهانید، این روش که پیش گرفته اید هو وطن را دعوت مینماید - پس از دست رفتن وطن و در میان نبودن استقلال ایران این الفاظ فارسی چه معنی تواند بود، در صورت نبودن استقلال قومی ترقی و آزادی بنام کدام ملت و برای کجاست؟ کارهاییکه بقصد ترقی و بنام آزادی کرده میشود و حرکاتی که با این عناوین مقدسه بدین روش سر میزند بالعکس بجای حصول شرف موجب اسارت و اضمحلال میگردد

از وضع هرج و مرج دلخواه و خودسری در هیچ زمان و در هیچ مکان هیچ قوم نتوانسته است شامد حریت و شرافت و استقلال را در آغوش نماید، چیزی که بحصول پیوسته موماموس و نابودی شرافت و استقلال است و بس

لستان و سرگذشت آمان در پیش چشمستان يك آئینه عبرتی است

باری بخود آیم و بیدار شویم و از این ضربه دعشت انگیز اخیر که در شکنج حقوق و هو ماموس میسا و حاضر است بدستی آگاه و تبه حاصل نایم شاید از تاثیر این ضربه و از تلخی و سمیت این زخم خون فسرده گنبدیده ما حرارتی حاصل و بجهوش آید و آن دلاوی مردی ما تازه روانی گسبرد و بدانت روح خوابیده ما آگاهی رسد بلکه از تلخی این خوری و ذلت ناگواری حات کنونی خود را نهیده و بدین واسطه آن اغراض شوم و خیالات فاسد نفسانی را که روح و قلب و رگ و رینه طرا احاطه و ملوث نموده از خود دور سازیم، يك تن و يك روان و يكدل در مقابل دشمنان اظهار وجود نموده و شرف و ناموس ملیت و اسلامیت خود را محفوظ داریم - بارآها! پروردگارا! آیا این چه بیشری و بی ناموسی است که ما ایرانیان را دریافته که اسلام و ایمان و دین و شرف و وطن و ناموس و حیثیت و همه چیز را فدای خواهشهای نفس ملوث خود می سازیم

ای رجال دولت! ای آنایک با این دسهای شوم و بجه های خونریز که بروی وطن محبوب ما حراز شده روبرو ایستاده اید! از قهاریت و غضب منتقم حقیقی و از بازخواست معبود جبار خودتان بترسید و از نظری و روگردانی نبی مکرم و پیغمبر

اکرم بر حلقه بوده و از امن و خاری و شهادت صحایف تاریخ عالم انانیت و اسلامیت احتراز نمانید در نگه داری این ودیعه مهم که اکنون بدست شما سپرده شده است با تمام سعی و نیروی بازو و زمان و روان خود سعی باشید - مصالح بندگان خدا را از روی عدالت و انصاف اداره نموده شب و روز کوشش در طریق نجات و استخلاص روان مقدس را از برای خود يك وظیفه حسی مهم عالم انانیت و اسلامیت بشمارید

ای وکلا و نمایندگان ملت بیدید و بجهید که یگانه مسئول از حالت کنونی ایران شما هستید - کافه ایران و ایرانیان همه تقدیر و آمل خود را محول به آرزو و افکار شما کرده اند و تانی شؤبات ملی و اسلامی خود را منوط بر ای شما ساخته و بدست شما سپرده اند - اگر شما پیش و بیشتر از همه از روی صدق و حقیقت باهم متفق و متحد نباشید و اگر از روی خلوص و هم افکاری در صدد جاره استخلاص آب و خاک وطن مقدس خود از این گره های دعشت انگیز و موجهای بی درین خونریز بریاید از که امید نجات و از کجا راه جاره باید جست؟ امروز ایران و ایرانیان پس از درخواست کنار گذاشتن احتساست شخصی از شما خواستگار است که از روی راستی رسم يك وجودی را پیشه و متحداً راهبر و راهمای ایرانیان باشید

ای ملای فوالمز والاحترام وای پیشوایان اسلام! بیدید و آگاه باشید که این ضربه مسموم و این بجه مسموم نه تنها برای ایران حاضر و آماده است بلکه تدارکی است برای تزلزل عالم اسلامیت و تبه سردی آثار مقدسه و اساس شریعت مطهره - مملکت اسلامیة ایران و بلکه تمام ممالک اسلامیة و شریعت مطهره پیغمبر آخر الزمان همگی در تهلكه و ارکانش منزل است

امروز جایی این نیست که اعتزال جسته و گوشه گرفته و اشتغال بجمیع بعضی مسائل فرمائید - امروز بضه اسلام که ابراش بوده باشد و عالم اسلامیت از شما حجت و کمال فعالیت را منتظر است وظیفه اسلامی شما همین است که مانند پیشوایان دین و موالی خود داعی اسلام و حافظ شئون و شوکت و استقلال اسلامیان بوده و دلیل و داعی اهل

ملت گردیده همگی را دعوت باتفاق و اتحاد و یگانگی و ظہیر یکدیگر بودن فرموده و آماده مدافعت حقوق اسلام و مسلمین ساخته . و خودتان قائد آن جیش باشید . اگر در این موقع وحشتناک در اجرای این وظیفه نماند و ورزید یقین است که در پیشگاه شارع مقدس حضور پیمبر محترم (صلی) اولین مشول از حقوق اسلامیان شما بزرگواران میباشید .

ای رؤسای عشاره و ای بزرگان قبایل و ای اصیل و اصیل زادگان و ای یادگار ساکنان جور و ای دلاوران غبور که در بر تو همت و مردانگی بدانان شما کشتی شرف ایرانیت و شوکت ایرانیان از آن همه خوقاش های جهانگیر بحاجت یاتمه و علم فرمانرمانی خود را در بلل هندوستان و ترکستان و عربستان کوتاه و آوگب استقلال خود را در آسمان جلالت درخشنده و تابان ساختند . موشیار و مقینط باشید که شمارا بیگانگان فوستکار ، بدام افسون خود گرفتار نموده و آب رگ دلاوری و غیرت ملی شما را با بیشتر حبله و بی شرفی نهی از خون و بدل به سستی و بی حیثی نمایند . که ناگاه چشم گشاده و به بینید خود را گرفتار هرگونه و زالت و دلت ساخته . سهل است سبب شده اید که تاریخ مشعشع قدیم ترین اقوام عالم را از صحنه روزگار سزده آید . با یک دیده عبرت و بصیرت از روی دور اندیشی و طاقت بینی بدقت نظر اندازید . بتاریخ ملایکه بشوکت و عظمت خودشان مغروراً از کوشش در حفظ استقلال خود تقاعد ورزیده اند اینک غیر از نامی در صحایف تاریخ نشانی از آمان باقی نیست . و با یک نظر عمیقانه در احوال ملت هائیکه در خانه های خود آواره و بیخانه مانده اند بنگرید و تاملی در گذاروش دول عالم از شرق تا غرب افکنده ب دیده بصیرت بنگرید که در کدام از مستملکات آنان اسی از ایل و عشیره و خانواده بجای مانده هر جائیرا که دول متجاوز ب زیر فرمان غالبانه خود در آورده اند نخست به بر انداختن ایلات و خانواده های اصیل تاریخی آن قوه همت گماشته اند و آنرا لگد کوب کرده و نامشان را از صفحه عالم بر انداخته اند .

بجزیرت و محترم بدارید عظمت ملی و شرف تاریخی نشوودتان را و بر حذر باشید از آنکه تاریخ عالم

ای اربابان فضل و کمال و ای اصحاب قلم ای آنانکه صحائف جراید خود را بحاجت مقدسه قلوب ملت می نامید ! دانسته و آگاه باشید که امروز اشتغال بجزئیات و شخصیات و پاره گفتارها در دمای مقدسه ملت تخم نفاق و شقاق کاشتن است و سیئاتش پیش از نامی کردارهای ناپسند وطن فروشاہ و ناموس شکنانہ دیگر است . امروز گفتار و قلم شما باید بگاہ کوکب فیض و بر فضل و سعادت بوده قلوب مستعدہ ملت ایران را با برنو نور یگانگی و انجاد منور و تابان سازد .

شمارا بناموس سوگند میدهم . آیا اکنون هنگام پارتی بازی است ، آیا رواست کسیکه ملت و وطن مقدس وی دچار هزاران خطرات است به پارتی بازی پرداخته و مقدرات وطن و ملت را از نظر دور دارد . ارباب ناموس و حیثتمندان قوم که از طرف ملت انتخاب شده اند بهر پارتی خود را منسوب میسازند بسازند و پارتی هر مسلکی میخواهند بشوند ، امروز باید مسلک حقیقی و آهنگ عمومی همه متوجه بیت مقصد بوده بچاره استخلاص وطن بکوشند و در صدد درمان دردها بر آیند که اگر غیر ازین چیزی را منظور دارید صرف خیانت و بی ناموسی است

ای ایرانیان ، ای ملتی که در شرف و افتخار شما همین بس که هرچه بیشتر در قدیم ترین تاریخ ملل عالم نظری افکنیم زیاده تر به آثار و نشانی شما ایرانیان تصادف مینمایم و نام نامی ایران در همه قرون باشرف ثبت تاریخ عالم است ! امروز اگر چه کوشش در حفظ وطن مقدس و تاریخ مشعشع ملی خود فکری و آرزوی داشته باشیم و اگر بوسیله خصومتی قیامین خودمان بروز نماید عین هلاکت است ، امروز ابدأ و قطعاً نباید شائبه غرض نفسانی در ما بروز نماید و ابدأ نباید باین اخلاق خائیان بر انداز میدان داده شود . باید همه همدست وفاق و اتفاق گردیده یک گروه مہیبی و یک هیئت مجتہدہ معظمہ تشکیل داده همراهی و هم اراده بطوریک وجودی در مقابل دشمنان خائن خود صف آرائی نموده و همه با سینه های ملو از سکنینہ عدو و جانہای بر کف نهاده در حفظ وطن بر روی خاک پاک این سرزمین و بوم محترم باستانی و این وطن محبوب گام بردارند مدافعت و مدافعت با حاکمان مستعد .

فدا و با نام نیک سفر آخرت پیش گیریم، و با شرف و استقلال و روان ملیت خود را حفظ و از همه آفات برهانیم

همه - ات مرکز تلخی زندگانی بی شرفانه با کمال حسرت افکنندگی و خواری نمیتواند برابری نماید بشرینی شربت مرگ با شرفی که در میدان مدافعه استقلال مجسم - خیر - خیر - کی و کجا میتواند این ذلت کنونی ما برابری نماید بیک جان سپردن با شرف گوارایی که بنام مای اسلامیت و اسم گرامی ملیت دست دهد، باید یقین داشت آن دم که بوجه اسلامیت منسک بعروة الوثقی انقاد شد. و مجرایان اراده داریم و قملآ بنامیم که آرزوی شرف اسلامیت و افتخار ملی ما مافوق همه آرزوهای حیانیة ماست، و بانان بجهانیم که بالاترین اندیشه ما از زندگان دنیا حفظ اسلام و ششون استقلال اسلامیت و ایران است - فوراً بیکانگان ، همه آن افکار خام و ناتمامی که درباره ایران و ایرانیان میروراند بطاق نیسان خواهند گذارد

امروز این میدان ساحق است که اجانب از برای امتحان ما ایرانیان آماده نموده اند تا از حیث اسلامی و حب ناموس و شرف ملی و وطن برستی و استقلال دوستی ما عباری بدست آرند

ای گروه ایرانیان وای فرزندان ایران ، بیاید و محض حفظ ناموس و شرف و استقلال وطن بجهت المذنب اتحاد تمسک جسته شیردلاهی بطور یک وجودی و یک وائی بموم جهانیان بجهانیم که نژاد و اخلاق ما ایرانیان همان نژاد پاک و اخلاق بیک چندین هزار ساله پیش است ، شرف ملیت و شهامت و عبرت قومیت و حس ناموس بر سؤرا پیش از بش داشته و حیث اسلامیت را بر او افزوده خداوند قادر قهار و پیغمبر مخلصش یار ماست و ما باحق و حق باماست

ولینصرت الله من ینصره وهو القادر القهار  
ای برادران ایرانی، باید همگی بدانیم - بی تیری ما ، دو همسایه را جسور نموده که بر ما می تازند و زود نا مرده می یازند، و بر آن سرند که خط التصاق مسلمانان را که در آسایه گویندگان لا اله الا الله بیکدیگر پیوستگی و امید و ارستگی از قید اسارت دارند قطع نمایند

ای گروه ایرانیان ای شهبان عرصه جلالت ای ای نیرومندان میدانهای تلویخی دنیا ای اخلاف اسلاف غیور ای ای فاطمین آفریک و هند ای چه باعث شده که وجود شما بفلج تن برووی مبتلا گردیده چه رو بداده که دیدگان شما را خواب بیخیزن گرفته ؟ چرا بازوهای نیرومند شما سستی گرفته ؟ مگر از نیروی اتفاق مهجور مانده اید ؟ مگر از قدرت اتفاق بی خبرید ؟ مگر آنگاه نرسید که تمام ایرانیان عرق واحدند ؟ مگر از قوت و قدرت قومیت بی خبرید ؟ ظاهراً فرموده نبی اکرم را از خاطر برده اید که فرموده اند ( بدالله مع الجماعه )

ای ایرانیان ، ابراف وطن و خانه و ملک موروث شما است ، مرز و بوم و آب و خاک آنجا تعلق بشما است ، ای هوطنان ! کافه پیشوایان شما که جانشینان ائمه و اطاعت آن بزرگواران بر همه ما و شما واجب است به آواز رسا میفرمایند که حفظ ایران بر فرد فرد ایرانی واجب عینی است دیگر منتظر چه میباشید و جاهای خود را از برای کدام بستر زناهی ذخیره میبندید ؟ بحول و قوه الهی استناداً برخیزید، بقوت دین مبین اسلام برخیزید ، بقوت ایمان با مال و جان و اسلحه بلند شوید، تا در بیک آن در بر تو اتفاق ملی همرا بجای خود بنشاید ،

ای حردا پرستان ! ای صاحبان ایمان ! ای عاشقان وطن ، بمناد حب الوطن من الایمان ای ایرانیان جسور! از مجامده در راه حفظ آیین مهرباسید، با آنکه میدانید مکافات جانبازان در راه دین بهشت برین است، چرا آرمیده اید ؟ مرگ در هر صورت همه را در خواهد یافت، که فرموده اند ( بدرکم الموت ولو کنتم فی بروج مشیده ) غیرت کنید و همت نمائید، جاهای خود را در راه دین ببازید و به آواز رسا بگوش طالبان برسانید، که غیرتمندان ایران مرگ با شرف را صد هزار مرتبه بر زندگی به سنگ مقدم میدارند - و بجهت حفظ وطن مقدس این ادعای خود را در مقابل دشمنان با خونمای شریان خود مدلل و ثابت نمایند !

ای گویندگان لا اله الا الله ای ملت ابراف بخود آئید از ننگ اسارت بپرورید که وقت درنگ نماند، مبادا شمس طالع از گنجه درگاه

که سبیل رو بچاه های شاه آورده ، بلند شوید ببول  
و قوه آبی ، دست بکار شوید بقوت ایمن ، یاری  
طلب نماید از باطن انبیا و اولیا ، مرد وار بر خیزید  
باستظهار فرموده مخبر صادق ، باستعانت کلام خدا  
بر خیزید ، بر خیزید با خونهای مریحانه ، بر خیزید با  
دلمی قوی ، مردانه بر خیزید پیش از آنکه مانند  
زنان در رختخواب زندگانی را وداع گویند -  
وقت تنگ است دشمن شمارا احاطه نموده دین  
و وطن در خطرست بر خود بستید که محارم شمارا  
اجانب بسربازهای خود واگذار نایند. سرفرازانه بر خیزید  
پیش از آنکه در نزد دوست و دشمن سر افکنده  
شوید ، پیش از آنکه به بیخیزن سمر شوید غیرت  
آرید ، بر خیزید مانند شیعیان یاک تا به بیدینی و  
بی نصی شهره آفاق نگردید ، در این چهار سال  
افلا جهلی هزار قربانی داد ، اید که جشن آزادی  
را دریابید ، اگر غفلت ورزید دچار اسارت فوق  
اسارت خواهید شد - اسارت قدیم ، شمارا در  
شکنجه برادران وطنی داشت و در او امید رهائی  
مرفت ، ولی این اسارت اسارتی است که تحمل کردن  
نیست - بر خیزید قبل از آنکه بندامت دچار شوید  
و زبان حاکمان گویی این مقال باشد

الآن قدیمت وما یمنع الندی

والسلام علی من التبع الهی

نقل از روزنامه شریفه نوبهار

( منطبعة مشهد )

( قزاق روس در قوچان )

از مشهوریت کارها بکلی کبیج و مهوت شده ام!  
نمیدانم چه طور خواهد شد  
مدت یکماه است یکصد نفر قزاق و سادات روس  
با سه عراده توب بدوت هیج دستاویزی وارد  
قوچان شده در منزل قدیم آقایی نصرت المالك  
منزل نموده و بیرق بالا زده اند ، این قزاقها گویا  
مامورند که تا میتوانند مردم بچاره صدمه و اذیت  
برسانند ،

منجمله از جلو خانه آنها ابداً زنهایی بچاره  
نمیتوانند عبور نمایند ، چون که در اوایل چند نفر

چه بنویسم مردن برای اهل ایران بهتر از زدن  
این طور است ، دو روز قبل ده نفر بیست نفر  
مست شده آمده اند بازار بدکان دارهای قوچان  
فلک زده بسیار اذیت کردند. از آن جمله بدکان  
بقالی میرسند قدری حلوا برداشته می خوردند. صاحب  
دکان مانع میشود. قزاقها طبق حلوا را ریخته لنگه  
میکنند ، و هاتسم در میان بازار آلت خود را  
بدست گرفته شاشیده و راه میروند! مختصراً اگر  
از وضع حرکات اینها عرض کنم تاب شنیدن ندارید  
خوب است دو کله از وضع درونی کارها  
برای ما بنویسید که آیا وکلای ما وزرانی ما تماماً  
مرده اند؟ آیا در حیوة هستند؟ اگر نمرده اند.  
چرا در صدد جاره و علاج بر نمی آیند ، و اگر  
مرده اند ما ابرانیها که نمرده ایم ، خونهای ما  
ابرایها که این قدر فاسد نشده ، چشم های ما که  
کور و گوشهای ما که نگردیده ، ما در کمال سهولت  
میتوانیم بمدافعه ناموس خود مانع برخواسته بدر  
اینها را دریاوریم ، خاک وطن مقدس خودمان را  
از نجاست و کثافت این درندگان یاک ما هم ، دیگر  
نمیتوانم از سوز دل چیزی بنویسم ! باری اهالی  
قوچان تا اکنون خیلی محاسبت کرده ولی اگر این  
قزاقها با همین حال در این بلاد باقی بماند باید  
بکروز سرخ و سیاهی را منتظر بود !!!

( ترك استعمال امتعه روس در قوچان )

پس از آنکه دستخط آقایان علما در خصوص  
ترك امتعه دولت متجاوز روس بقوچان رسید. تمام  
اهالی قوچان از ضیعی و شریف اظهار نفرت از  
کلیه امتعه روس نمودند

در واقع این اقدامات بهیبت آقایی روضه  
خواههای ایجا شد و تمام مجالس قند و جای موقوف  
و هرکس بضاعتی دارد حلیم و شله میدهد ، و  
نقد با تبعه روس از شدت بغض معامله را ترك  
کرده اند .

در قوچان بواسطه بودن قزاقهای روس خیلی  
شورش میباشد ، اگر يك صدا بلند شود يك نفر  
باقی نخواهد ماند. باوی وجود قزاقها اسباب تیره

و بمشهد آمده است

( ترك استعمال امتعه روس در توشیح )

هیجان اهالی مشهد در ترك امتعه روس بایجا سرایت کرد ، سواد تلگراف آقایان علما و حجج اسلام مشهد هم رسیده بود و این اقدام گردید ، بعد از قرائت در انجمن و حسب تعصب ملیت و اسلامیت و شور و هیجان مخصوص در طبقات اهالی ظاهر و هویدا شد ، عموم نفرت و انزجار قلبی خود را اظهار داشته و بترك استعمال امتعه روس کلیه عازم شده ، فعلاً مجالس روضه خوانی در عرض قند و چای نم‌البدل حلیم و آبگوشت و قهوه و عسل قرار دادند ، خیلی هم مطلوب و خدا پسند است استعمال قند و شکر روس را مردم در خانه‌های خلوت هم ترك کرده و روح اسلامیت را از خود خوشنود نموده اند ، اگرچه باین اقدامات عبورانه بکن نمی‌رود قلب ایرانیان از سنگاریهای روس خنك شود .

### قوجان

از عرقه ذیقعه اداره دوایر ثلاثه بریاست صدرالادبای و معاونت سید حسین خان کشمیری با چند نفر از اجزای به قوجان وارد شدند ، پس از دو سه روز که مشغول ترتیب دادن اداره بودند اعلان چاپی منتشر کردند که هرکس تریاک دارد بیاورد باندازول کند و در اعلان تمام مطالب را درج کرده بودند ، همین که يك هفته مدت اعلان تمام شد شبانه دو سه حاه شیره کبها را که مخصوص شیره جوشاندن و فروختن است منطشین تعطیلش کرده قدری شیره دوحال جوشاندن گرفته بود از روز نهم ذیقعه دکان و بازار را دو نفر از اشخاص معتبره گفته شیخ با نا محمد و امام جمعه و ادار کردند و بستند ، سه روز تمام دکان و بازار بسته بود ، چون بودن اداره ثلاثه در قوجان بحر دخل وکلای بلدی و وکلای انجمن ولایتی و بعضی از اجزای نظمی را مسدود میکرد این بود که اشخاص فوق هم ظامراً و بائناً امرای رای دابر شدن اداره ثلاثه میسر کردند ، عرض بطور دلخواه مردم اداره ثلاثه را با اقتضای تمام در ۱۲ ذیقعه رجیدند

و رؤسا را هم هودت بمشهد دادند دکان و بازار قوجان باز شد ، احوالات اغتشاش قوجانی را منسبین درجز دانسته بدستگیری سید صوفی مشهور و قلچاق های او ادارات عدلیه نظمی ثلاثه و پایه را هم از درجز پس از غارت بیرون کردند

بعد از این اتفاق تخمین ۲۰ نفر قزاق روس به درجز وارد شده بود ، بعد از چند روز انصراف قوه هم رسیده کمرکخانه را که در خود محمدآباد درجز است به پایه غیر معلوم غارت کردند ، شاهزاده محمد تقی میرزا که رئیس کمرک بود کشتند ، اینها اکتفا نکرده شبانه باجیگران ایران که سرحد عشق آباد است ریخته کبیری نظمی آنها را غارت کرد ، و زوار های آنها را که عورت می‌کردند سخت کرده برمیگردند بعد از این همه خرابی اولیاء امور مشهد ملتفت شده که احوالات فوق صحت دارد آنوقت سردار سمید رئیس کل قشون خراسان را با عده سوار و یک مراده توپ الطرینی حرکت دادند ، سوارها آمده در قوجان تا حال که معطل ورود صاحب اختیار ایالت مشهد هستند ، که چه اقدامی کنند و باین سوارها در این موقع زمستان و گرانی ملرومات چه می‌کنند قلم را عار آید از نوشتن و شرح دادن ، در این دوره هم مثل زمان استبداد نظام مملکت را منحصر به طهران کرده اند ، و زبان فلان و فورم فلان و بیکار فلان زهرمار فلان همین قدر بنواهد دو ماه در طهران چند مرتبه سان داده احسن احسن بگویند ، گور پدر سوارهای اطراف ، خود سوارها قسم می‌خورند که مواجب چهارماه قبل را هنوز نداده اند ،

باری در روز بعد از ورود قشون از مشهد هشتاد نفر قزاق روسی بایست نفر توپچی و دو دانه توپ مسلسل مع چندکاری قورخانه وارد قوجان شدند تا در روز در قوجان انهد ، و دند ، تا اینکه مجدداً شصت نفر قزاق روسی با دو دانه توپ مسلسل با بازده نفر توپچی مع چندین کاری قورخانه وارد قوجان شدند ، همینکه سوارهای روسی فوق اول وارد شد اکتفا روس کاغذی ترتیب داد و بمهر رعایای خودشان رسانید که مانند این عده قشون روسی را از دولت روس در قوجان خواستش کرده بودند بعد از طرف دولت روس حکمی توسط قونسول که رعایای ما در

عظمت همیشه حکمی صادر شد که این عده قشون همیشه در فوجان ماند، این بود که دیروز گذشته المده اوله سکه عبارت از ۸۰ قزاق ۲۰ توپچی و هودانه توپ مسلسل از فوجان بطرف مشهد گذاشتند و عده ثانی که عبارت از ۶۰ قزاق و ۱۰ توپچی و مراده توپ مسلسل باشد در فوجان ماندند هر شب نزدیک اذان شام صدا بصداداده چنان میخاند که تمام شهر صدا شان بگیرد.

باری تمام اینها از بغیر و ن حسی ما ملت ایران است، اگر ما ملت در عفت نباشیم ادارات حان منظم باشد و کلاهی مان در خواب نباشند و وزرای حان از عشرت دست بکشند قشون روس در دامن ناموس مان چه میکند، در این ولایت فوجان چندین اداره هست، اداره عدلیه، نظیه، حکومت، بلدی، انجمن ولایتی، کارگذاری، تمام این ادارات همه مشغول بر کردن جیب خود هستند، اگر بزرگترین ظلمها را به رعیت هر کس بکنند و به این ادارات آن رعیت بچاره عارض شود مدت شش ماه از کم سعادت لازم دارد که اینها از خوش گذرانی راحت شده بعرض آن رعیت برسند، چنانچه خدا شاهد است از اول افتتاح ادارات عدلیه و نظیه کارها و عرضهای ملت بچاره هنوز معوق مانده چیزی که خیلی در این ادارات رواج دارد طرف گیری است از ظالم و باپال کردن حقوق معلوم.

بزرگترین خائین و محرک تمام اغتشاشات ایالت خراسان جوان درویش زاده بنی طهر السلطان با همه آن خرابیها که لازم به نرح نیست و قبح در روزنامه جان میشد ملاحظه فرموده اید، پس از ورود صاحب اختیار از معاونت ایالت معزول شده بنامت امروز از فوجان بطرف روسیه بگدود، عجاتاً باسم طهران حرکت کرده ولی خیال فرنگستان دارد، چون در مدت یکسال و نیم معاونت دخل زیاد کرده خیال دارد در فرنگستان چند روزی کپت کند این است مجازات خائن دولت و ملت در مملکت ما باری این چنین ملت و دولت را چرا روس صاحب نمکند؟ چه گونه ملت بچاره بدولت قرض مداخله بدهد دوسورق که مالیه دولتها همین کسایک سنگ ملت طوای به سینه میزنند جناب آشکارا میخورند که ابداً کسی نه از قوای و نه از ملت

بازخواست و رسیدگی میکنند؟ در اول ورود اداره نظیه از تمام ادارات منظم و ماترین بود، حالیه آن اداره هم چون رفقا را مشغول عشرت دید رؤسان شان از حفظ رعیت و گردش شهر دست کشیده مشغول عشرت و... هستند اکثری از بلیسا هم شب و روز دست هستند، چون پس نماز چنین کنند پس نماز هم همان حال را خواهد داشت.

چند روز قبل يك نفر از عارضین عدلیه سکه سه ماه قبل عریضه رسمی داده و عرض کرده بود مطالبه جواب میکند رئیس عدلیه پس از تغییر زیاد دو قران پول نمر عریضه را رد کرده قدغن میکنند که دیگر در این خصوص به عدلیه نیاید، مثل اینکه خانه ارنی اوست.

باری ای بچاره و مان خواهان حان ترمان زلمت چهار ساله تان ایست زحمت شما و مجاهدت ملت عجیب مشروطه، ایست در مملکت ما در عرض يك سال و نیم هنوز يك نفر متش برای ادارات نیامده، اداره يك نفر بیوه زن خارجه باین حرج و مرجی نیست، هنوز صدای حزین مجاهدین حقیقی آزادی قطع نشده که مصادراور ما تمام کارها را (به اقدام میشود) درست می کنند

تلگراف صوت الدوله  
(بوزیر داخله)

مقام منبع بندگانی حضرت مستطاب اشرف اعظم وزارت عدلیه داخله دامت شوکت، احکامات تلگرافی زیارت، ملت تاخیر عرض جواب آقای حاج محمد کریم خان بعرض میرساند، اکنون جواب عرض میباشد در خصوص مال مسروقه جاویدی خاطر مبارک مستحضر است که قبل از رجوع خدمت و اقبال فدوی بود، ولی چون او امر مطاعه را واجب الاطاعه میدانند علاوه بر جمعیتی که قبل برای محاصره آنها فرستاده بودم حیدر علی خان کشکولی را هم نایباً با جمعیت فرستاده که انشاءالله بهر شکلی باشد انجام این خدمت را بدهند.

در قمره اتحاق تانوی سوار و تشکیلی سکه برای راه معین شده بود هنوز مرتب نشده حتی سرسکرده شان که از نزد فدوی با دستور العمل مراجعت کرده بود بمنزل نرسیده قافله حرکت کرده و مستحفظین خبر داده بودند که یانصد نفر از بوزیر

احدی ما راه را بسته اند یکدسته از قافله شتوانی نکرده حرکت کرده بودند که این اتفاق افتاده و تعاقب کرده ، اسدالله خان دشمن زیادی هم سکه می آمد بر سر راه تنگگی بگذارد خبر دار شده هر راه دو نفر از دزدان را مقتول نموده و قدری از مال را پس گرفته ولی چون عده دزد ها زیاد بوده تمام مال را نتوانسته پس بگیرد دنبال کرده بعد که خبر رسیده مدد بجهت آنها فرستادم و تا کنون خبر صحیح نرسیده و عده هم عقب قافله و مسافری خارج حرکت داده بحمدالله سالها قبل از اینکه سوار شهر رسیده به کادرون رسیده و از آنجا ردتند ، کسانی که تصویب عود قافله را بشهر میباید مقصود شان آشکاره ولی فدوی قصدی ندارد جز استقلال وطن و در ازای این هم اظهار مراقب حضرت اشرف میتواند خدمتی بروز بدهد . انشاءالله امیدوارم که دعوی خود را فدوی تا آخر بعاملت رساند

البته بعرض مبارک رسیده است که بعد از این فتره باز بوی احدی ها قافله دیگر زده و مستحفظین تمام مال را از دست شان گرفته و چند نفر شان را هم مقتول نموده اند حال عده کافی شده بوشی عیب نخواهد کرد و گذشته ها هم از توجه مخصوص حضرت اشرف اصلاح خواهد شده علاوه بر مستحفظ معین عده صحیح هم فرستاده ام کت مستحفظین بشوند خود فدوی هم برای ملاقات ایالت جلیده طرف بوشهر حرکت نمودم در باب تعمیر روج هم در ورود ایالت لازم است امر شود زودتر دادرز بماند در باب اعزام توب و سوار البته برای طاهر هم باشد خیلی لازم است اشرف بدانند دولت سر نیبیه و تکمیل و تنظیم و تقویت مستحفظین را دارند ، این عرض را میبایم که عمده امیدت این راه و فارس بسته بخوابی و نیبیه کامل بوی احدی است و آنها هم قوه شان بسته بچندین روح و چندین قلعه است ، صریح عرض میبایم که خرابی آنها از تمام اقدام لازم تر و آنچه دولت شرح این نکته بماند بجا و خیر دولت و ملت است چون مبهوم ناچار بعرض از بابت حرکت توب و سوار ، توب ظاهراً حرکت کرده اند ولی نرسیده اما

سوار هم بیاید در خدمت ایالت بشهر عودت نمایند بهتر است ، جبهه توب هم امر شود قورخانه بدهند ، هینقدر عرض میباید که این فدوی خود را بدون طمع وقف اوامر دولت و خدمت ملت میداند ، خصوص در لوامر مطاع خود را فانی محض میداند و بر آنچه امر شود مطیع است

تلگراف از نجف بطهران

جناب مستطاب نفع الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد مجتهد حابری دامت برکاته ، از حسن انتخاب وجود مسعود ریاست محکمه تمیز و مساعدت آن جناب زاید الوصف سرور انشاء الله تعالی اقدامات کافی در اصلاح آن محکمه و سایر محاکم عدلیه که اهم ادارات است با مساعدت جلیله و حسن کنایت جناب اجل عالی آقای محترم السلطنه دام احسانه خواه امید فرمود ، اشخاص مهذبانی انتخاب امیدواریم کلیه محاکم عدلیه بر وفق اصول و موازین شرعیه معمول و مجری گردد الاحقر عبد الله مؤذنون مصطفی الحسینی کاشان

تلگراف سردار ارفع

( مقام رفیع ریاست روحانی اسلام )

حضور مبارک حضرت آیة الله خراسانی دام ظلّه تلگراف مطاع زیارت شد فدوی که در انتظام و امنیت عربستان غفلت نکرده خاطر مبارک مستحضر است ، ماه رجب و شعبان با اردو برای شوشتر و عربستان زحمت کشیدم و بعد از ماه رمضان بخبریک بعضی ها با عراقیکه در حدود شوشتر هستند دست بردی زده شد ، محض اینکه بهانه بدست اجانب نیفتد حالا بیست روز است که بکارون آمده تشکیل اردو برای نظم داده و سایر نقاط جنوب دستری فدوی نیست و در خدمات ملت و مملکت و حفظ انتظام صفحه خود غفلت ندارم ، از خداوند توفیق مساعدت باجرا فرمایشات وجود مبارک مسئلت میبایم و بجهت اتفاق با هر کس که میدانم حقیقت دارد و مقصودم غرض رانی و خرابی خانه کسی نیست البته حاضر حضرتعالی مستقیماً برؤسای جنوب تلگراف فرمائید حدود خود شانت را منظم نمایند فرمایشات مترصد ( خزعل )

ترجمه از روزنامه طمس لندن

( مورخه ۱۸ جنوری سنه ۱۹۱۱ )

وقایع نگار مخصوص طمس از اسلانیبول



شکایات (طنین) که در خصوص عراق عرب و خلیج فارس مینویسد. خلیل محل توجه عموم شده، شکارنده موصوف که نماینده شورای عمانی از بغداد و موسوم به (اساعیل حقی بی) که خلیل معروف به اطلاع از سیاست خارجه است و بعضی از جوانان ترک را عقیده این است که عنقریب به جایگاه رفت پاشا نائل خواهد شد چنین نکاشته

پیامت مشارالیه در خصوص عراق عرب خیلی درد انگیز است چنانچه میگوید بین بغداد و بصره بلاد و ممالکی که واقع شده خیلی بی نظم است، و همین که از بصره تجاوز شود سامان شورش بنظر می آید، چه تمام افراد زاید و ضرورت خود دارای اسلحه شده اند، حکومت را قوه قاهره نیست ازین جهت به نظرها حقیر وضعیف می نماید، و ریخاروم و قابلیت اردوی ششم محل شبهه است، شیوخ قبائل آنچه میخواهند میکنند، چنانچه تجار را گرفته هرگونه اجحاف و تعدی که میخواهند بر آنها روا می دارند، و سرخوداه با دشمنان خویش به جنگ درمی آیند، و از اوامر حکومت تمرد می ورزند، و جز از جماعت فلاح سازین از ادای مالیات خویشتن و ا معاف قرار داده، و از زارعین مبلغ هنگفت باسم مصارف جنکی تحصیل میکنند، برای رفع این گونه خرابی ها لازم است که قشون را در ایالات بصره و بغداد قوی ساخت، و توپخانه و جهازات جنکی در آن مقامات فرستاد، جهاز زره پوش برای جلوگیری از تجارت ناجائز اسلحه باید بخلیج فارس گسیل داشت و بر اعراب پایی تاخت و آنها را سلاح چین نمود و مجبور بادای مالیات ساخت

پس از اینگونه اقدامات باغبان را در عدالت جنکی پس از نبوت جرائم در جزائر بحر روم بجلاء وطن داد، حتی شیوخ غیر مقتدر را هم باید موقتاً بجلاء وطن دهند، شیوخ کوچک را بمقام ریاست برانگیخت نه در وطن خود شایسته بلکه در مقامات دیگر، هرگاه در این اقدامات تعلل رود باید دانست که عراق بزودی از قبضه عمانی خارج خواهد گردید، دول خارجه بمراق عرب بنظر طامعی می ننگرند و خارجیان در عراق بسازش های عمیق مشغولند، در جنوبی بصره اختیارات دولت

جهاز باعلامت عثمانی دیده نمی شود و در تمام جهازات علامت انگلیس افراشته می شود - بصره حالی پیدا نموده که هر انسان بصیر هر آن خوف قبضه انگلیس را مشاهده می نماید چنانچه ورد زیباها مدح انگلیس و طرز معاشرت اهالی رفته رفته مائل بانگلیسان میگردد، اساعیل حقی بی در خصوص کویت و محرمه سخن رانده میگوید - کویت بطریق رسمی متعلق به عثمانی چنانچه شیخ آنجا از طرف دولت عثمانی لقب (باشائی) دارد و تا کنون هم بر عمارت او بیرق عثمانی افراشته می شود - با اینکه مبارک بن صباح شیخ کنونی کویت با مشایخ دیگر عثمانی بجنک و جدل مانند رؤسای سودان رسمی آید و کویت را مرکز سازش بلذیکی خارجه قرار داده است و بطریق ناجائز مشغول به تجارت اسلحه میباشد - و به تأیید انگلیس در آن نواح بی نظمی و خونریزی را شروع داده - مشارالیه در ضمن بیان خود سؤال میکند که اگر حمله بر کویت از طرف دولت عثمانی شود آیا دولت انگلیس شیخ و او تأیید خواهد نمود؟ وزیر خارجه راست که فوراً در این مسئله توجه نموده تا فریب نخورد باشد در محرمه شیخ خزعل برخلاف عثمانی سازش می نماید و مرین تجارت اسلحه ناجائز در خلیج میباشد - مشارالیه نسبت به شیخ مبارک اقتدارش پیش و بتازکی برخلاف دولت ایران هم حریصیتی بسیار عنیف نموده است که بواسطه یک از اسیران خط قونسل انگلیس را بدین مضمون دیده که « شیخ خزعل را در دولت ایران یک گونه ابدواری و پشت بنامی بدوات اسکلس است » ازین رود دولت عثمانی با اتحاد ایران بواسطه محافهه عراق باید اصلاح امر محرمه را بنماید و پس از اطمینان بایران واگذار شود، عقیده اساعیل حقی بی این است که باید منطقات شیخ کویت و محرمه را در بصره ضبط و کسان آنها را محبوس داشت

نقل از روزنامه شریفه استقلال ایران (منطبعة طهران)

(وزارت خارجه - وزارت خانه خارجه) مقام وزیر خارجه و نظیفه وزیر و اعضاء وزارت خانه خارجه نه بدوجه مالی است که بتصور ما می آید

عنان پلتيك و يا سياست خارجي مملكت را دست خويش دارد

وزير امور خارجه كسي است كه منافع اقتصادي خارجي ملت منوط بكنائت و درايت ايشان ميباشد وزير امور خارجه كسي است كه بايد هميشه با ديپلوماتهاي دنيا در مبارزه پلتيكي باشد

وزير امور خارجه كسي است كه براي زوت ملت بايد ميدان مصرف در خرج تهیه بکند با اين مقام عالي و با اين وظيفه مهم بدبي است كه چه اشخاص بايد منصدي اين امر بشوند. خاصه عنان پلتيك يك مملكتي را كه مانند ايران در چنگال پلتيكي دول مقتدره است چه آدم جامع السرايلي بايد عهده بگيرد

وزير امور خارجه علاوه از وظيفات داخلي و با اداري بايد مداومه از پلتيكهاي بييج در بييج ديپلماسي روس . انگليس . آلمان . عثمان . فرانسه وغيره بکند

وزير امور خارجه ايران بايد بمصاحبه تداعي تعرض دوة خارجي راى ايران تهیه و بايد

وزير امور خارجه ايران بايد تعميمات پلتيكي تشكيل رقابت خارجي نسبت بايران داده ايران را تا زماني كه خود نتواند حقوق خود را حفظ نمايد در سايه رقابت محفوظ بدارد.

وزير امور خارجه ايران بايد بنون ديپلماسي قشون اجاب را از ايران خارج بکند

وزير امور خارجه ايران بايد امتيازات مفيده ايران را از قيودات حلاصي بچشد

با اين حال مدتها است كه خيالات حق كشاه احزاب نسبت بايران علني گرديده قشون روس در ايران توقف نموده سه كابينه تغيير يافته چند وزير بسمت وزارت امور خارجه باين شغل مهم منصوب گرديده بد بختانه از هيچيك غير از وعده حرق جز از صحبت كشتي انداختن عمليات بروز نكرده است ما نميدانيم اين وعده ها كي با وفا و ايضا هم آسوش خواهد گرديد. كي اقدامات مجرمانه سري ديپلوماسي ها نتيجه خواهد بچشيد

بييج روز از ما مي گذرد كه يك بد بختي خارجي بر بد بختيهاي ما افزوده بشود. يك باري روي بار ما نياید. پس كو نتيجه اين عمليات سداسه.

كو علامات اقدامات پلتيكي ديپلوماسي؟

باري صرف نظر از اين ثوابت اميدواريم. سوالات ذيل از طرف وزارت جليله جواب داده شده اسباب اسكات سايل گردد

( سوال از اوليای دولت و بازخواست )

( از وزارت جليله امور خارجه )

در ۲۲ رجب سنه ۱۳۰۷ دولت عليه ايران امتيازنامه به بانك شاهنشاي عطا فرموده. اولاً در فصل بجم آن امتيازنامه بانك شاهنشاي ملتزم شده است كه هرگاه دولت عليه در ملك خود ماليات تمبر را قرار بدهد بانك بييج براني و سندي را نخواهد گرفت كه تمبر دولت را نداشته باشد و حال منجاوز از يك سال است كه تمبر در ادارات دولتي برقرار شده. آيا بانك شاهنشاي تمام اسناد پروات خود را به تمبر دولت رساييده يا خير؟ اگر رساييده در سال گذشته يعني از اول مشروطيت تا كنون چه قدر طبقات دولت ايران از اين محل شده. توسط كي دريافت شده. ويجه مصرف و بحساب آمده است.

نايماً در فصل بجم آف امتيازنامه بانك شاهنشاي ملتزم شده كه در آخر حوت صد شش منافع آن سال خود را بدولت بنندگان اعليحضرت اقدس شهربري بدهد يا بجمع بياورد. در صورتيكه حصه منافع صد شش مذكوره در يك سال كتر از صد هزار فرانك يعني چهار هزار ليره انگليسي شود بانك مجبور است كه اين مبلغ را كامل نمايد اگرچه با كسر هر مقدار باشد بدون آنكه حق داشته باشد آنرا بخرج حصه منافي كه نتيجه عمل سال بعد است بياورد. و حال بيست و دو سال است ما مسبقو نيسيم كه بانك شاهنشاي از روي دفتر خود داراي چه قدر منافع بوده و اگر از قرار صد شش مطالبه شود تا چه اندازه سهم دولت عليه ايران ميشود. اين كار منوط به رويت دفتر بانك است كه از روي آف دفتر معلوم شده. مطالبه شود. فرضاً كه بانك در اين مدت بيست و دو سال عوض منعت ضرر كرده باشد بموجب اين فصل امتيازنامه سالي چهار هزار ليره انگليسي هر ساله بدولت عليه بايد كار سازمي نمايد. و اگر در اين ۱۲ سال سابقه شايان توجه بوده باشد...

چند سال بعد سال تیزیل بندی نایب هفتاد و هشت هزار لیره انگلیسی اصلا و هویت و هفتاد هزار و پانصد و نود و پنج لیره و کسری فرسح مبلغ فوق در این مدت گذشته خواهد شد که اصلا و خرما سبصد و پنجاه و هشت هزار و پانصد و نود و پنج لیره و کسری میشود. و هر لیره اگر امروز نگویم شش تومان، پنج تومان نیم چیزی زیاد یا کم قیمت دارد و فرض کنیم لیره پنج تومان است سه کرور دو بیست و نود و دو هزار نصد و هفتاد و پنج تومان و کسری خواهد بود.

لذا از اولیای دولت. خصوصاً از وزارت امور خارجه سؤال مینمایم آیا در مقابل این فصل امتیاز نامه تاکنون چه قدر عایدات دولتی شده؟ بتوسط کدام امور دولتی گرفته شده. و بچه مصرف رسیده است؟ و اگر تاکنون این وجه گرفته نشده علت نگرانی چه بوده؟ آیا ملت بد بخت ایران میتواند از این وجه کلی چشم ببوشاند؟ اگر اولیای دولت همین سه کرور تومان و کسری طلب حقه خود را از بانک شاهنشاهی مطالبه و دریافت ندارد دیگر حاجت باستقراض نمودن از خارجه یا داخله نیست و میتوان مقداری از قروض دولت علیه را از همین راه ادا نمود.

ثالثاً در فصل دهم آت امتیاز نامه بانک ملتزم شده که برای اجراء و حفظ حقوقیکه بموجب این امتیاز نامه داده شده است بانک مزبور در ظل حیات بنندگان المید حضرت اقدس شاهنشاهی و دولت متبوعه خود خواهد بود. و بانک هم متقبل میشود که قوانین عمومی مملکت را از جمیع جهات محترم دانسته اطاعت باید. در صورتیکه بین دولت با بانک و مابین بانک با سایر مردم اختلافی ظاهر گردد هر یک از طرفین یک یا دو حاکم منتخب خواهند نمود و قرار داد آن دو حاکم قاطع خواهد بود. و در صورت عدم موافقت بین دو حاکم عالم دیگر منتخب خواهند نمود که حکمش بدون برگشت اطاعت خواهد شد. و حال بیست و دو سال است بانک شاهنشاهی تمرد از این فصل امتیاز نامه نموده بتوسط سنارت با قنصلگریهای انگلیس دعاوی خود را عنفاً و جبراً پیش میبرد. وزارت امور خارجه تا نیز یا عمداً یا سهواً جلوگیری از این تجاوزات و تعصبات بانک و سنارت نموده و حال هم از قرار

مذکور حق الامکان همراهی باین تجاوزات بانک میکنند. علت این را هم از اولیای دولت خواستاریم.

اتباع ایران سالها برای همین مسئله در وزارت خارجه یا کارگذارها سرگردان و بریشان حال مانده و کرور ها متضرر شده اند. مثل آقا محمد اسمعیل تاجر یزدی و غیره و غیره. و ابدأ بر ارض اتساع داخله ریدی و احقاق حق نمیشود. حال هم از قراری که میشنوم سفارت بدون ملاحظه می گوید که مسئله فصل دهم امتیاز نامه بانک چون در این ۲۲ ساله بجزی نشده لذا باید بوزارت خارجه و بانک لندن رجوع شود. و از آنجا کسب تکلیف گردد. خیلی تعجب است که امری که در ایران باید فیصل یابد چرا باید رجوع بلندن شود؟ اگر موقوف بحکم وزارت خارجه لندن است پس این امتیاز نامه یا باطل است یا آنکه نونهای بانک موقوف از انتشار باشند تا جواب و تکلیف از لندن رسد. مگر این ۲۲ سال که تمرد از این فصل امتیاز نامه شده بطلان این فصل دهم را میرساند؟ خیر - بذا بلکه خلاف بانک ظاهر می شود که امتیاز نامه. همین قدر میدایم که اولیای دولت و وزراء فعال ما غفلت از... ننموده کوتاهی از وظایف و اجراء فصول امتیاز نامه نموده خانه ایران و ایرانیها را خراب کرده و میکنند. نظریات خود را در آن باب برای فصول دیگر آن امتیاز نامه در نمرات آتیه درج خواهیم نمود.

حال می آیم به عدم اجراء فصول امتیاز نامه بانک استقراضی روس مورخه غره شوال سنه ۱۳۰۷ در فصل هفتم آن امتیاز نامه بانک استقراضی روس ملتزم شده که در آخر هر سال بعد از وضع مخارج صاحب امتیاز باید صدی ده از منافع کل بجزانه دولتی کارسازی نماید و علاوه بر این صدی ده هر سالی مبلغ هزار تومان مالیات حراج طهران است صاحب امتیاز بجزانه دولت کارسازی خواهد نمود. و نیز در فصل هیجدهم ملتزم شده که برای حراجی شهرهای دیگر صاحب امتیاز مالیات حراجی آن شهر را خواهد داد. حال قریب بیست و یکسال گذشته نمیدانیم بانک استقراضی روس چقدر منافع نموده و سهم دولت که صدی ده هر ساله میشود بجزانه است؟ اگر از آنجا که دریافت شده توسط

کی دریافت شده و بجهت مصرف رسیدند؟ و اگر نتوانید علت نگرانی چیست؛ ما فکر ملیت را با تزیل سالیانه حساب نایم چند کزور تومان میشود که یک قسمت از قروض دولت داده میشود دیگر اینگونه احتیاج نخواهیم داشت. علاوه بر این سلطان خزاز تومان برای حراستی شهر طهران باید بدولت بدهد. این هم بیست و یک سال با تزیل سال به سال باید مطالبه و دریافت شود. ابرامات دیگر نیز برای فصول دیگر داریم که بموقع درج خواهیم نمود

(جبل المذین)

بزرگترین وظائف وکالت وکلای مجلس این است که همدانها جات و امتیاز نامه های خارجه را وقت ملاحظه نموده سخت گیری در بای بندی مواد آن بنمایند، ورنه تاریخ آینده برای وکلای ما جز شامت بی علمی و ملامت بی اطلاعی یا خدای نخواسته بدنامی خود عرضی و هوا پرستی نخواهد داشت آیا وکلای ما مسبق مواد امتیاز نامه های مذکوره هستند یا نه؟ اگر نیستند چرا؟ و اگر هستند بجهت در این مواد توانی نموده و با اندازه مقاله یک اخبار خدمت بوطن و موکلین خویش فرموده اند. گویا جواب خواهند فرمود که بارتی بازی و هوسنای های طفالیه ما را فرصت نداده است که کسب این گونه اطلاعات نافه نموده و بمنافع موکلین و وطن خویش قیام نایم، ما در این موضوع اهم اگر مسائل الاهم فالاهم بگذارد در آتی به بحث خواهیم نمود

نقل از روز نامه نریفه شمس

(منطقه اسلامبول)

(سردار محمی یا بروز حسیات ملی)

خواطر برادران وطنی ما مسبق است که بعد از واقعه و یا فاجعه نسکین ناگوار بارک حضرت سردار محمی که شرح خدمات و فداکاریهای ایشان در استقرار مشروطیت و آزادی بی نیاز از توضیح است. بملاحظه صلاح مملکت و برای اثبات مظلومیت خود و کشن اغراض ایران فنا کن مفرضین بسنارت کبرای عثمانی ملتجی شده بودند در اجندت شش ماه که انواع صدمات و زحمت را متحمل و با سرما و برف شمیران مانوس بودند بوسایل همراض مؤثره که تقدیم مجلس شورای ملی نمودند و در غالب جزایه درج است جدا آنجا که

خواستند. ولی چون مقاله مکتوب سو جانیست برای کنی ملی نگذاشته بود در خواست ابستان روز خصوص اشکال حکم و عهده در پیش از این امور مقبول نیفتاد. از طرف دیگر طول اقامت معظم ابه لاوتناریت رفته رفته بحسینات تقدیر دایم ملت بر خورده بک طبعاً عمومی توایند نمود.

و از جانب طبقات مختلفه ملت عریضه جات و توره بمجلس تقدیم و در حرازد درج شده و از منتظر امور ترضیه خاطر سردار را خواستگار شدند. چون باز بدفع الوقت گذشت طاقت مدت طاق شده و شخصاً در ضد علاج و جبران مافات بر آمدند ابتدا روز سه شنبه ۱۷ شهر جاتی جناب آقای آقا میرزا حسن جنید و چند نفر متغذین بازار بشمران رفته بعد از مذاکرات سردار معظم الیه را راضی بمراجعت شهر فرمودند.

فردا که روز چهارشنبه و عید سجد قدیر بود مینق از اتحادیه اصناف و تجار و کسبه و چند تن از وکلای مجلس شورا و امرا و خوانین بختباری و طلاب پادرسکه های شخصی و حکرايه و اسب بسنارت بیلاق دولت علیه عثمانی رفته در سه ساعت بغروب مانده با یک جلال و جبروت هر چه تمام تر و با یک کوبه مشمش که احساسات قدودانی ملت و تعلق خاطر آنانرا بخادمین حقیقی خود ظام میساخت سردار محمی را از وسط قلوب بر از محبت و تشکر و شادی عبور داده وارد شهر نمودند. عده مستقبلین از سوار و پیاده از هزار ها تجاوز میکرد. خلاصه با همان شکوه و عظمت بمنزل شهری ورود دادند.

از قراریکه از طهران مینویسند جناب آقای میرزا فتح الله خان کار برداز اول سابق از میر که در انقلاب ایران همه گونه خدمت و جانفشانی کرده و برای خدمت در وطن از مأموریت خود استعفا و به طهران حرکت نموده بودند. نظر بحسن ظن عموم که دوباره ایشان موجود است وکلای محترم دار الشورای حکمیری در جلسه روز هفدهم ماه ذی الحجه جناب معزی الیه را بجای آقای حنیع الدوله سکه وزیر مالیه شده اند بوکالت ملت و نمایندگی طهران بمجلس شورای ملی انتخاب کرده اند.

ایں حسن انتخاب را خاصیت تیرکند کرده و  
 اچھاواریم لاکہ جناب محضی الیہ خدمت سامگانہ بملت  
 بنیادہ

بوشہر

آقا کوچک نام پسر کربلان محمد صادق بزاد  
 کازرونی ساکن کازرون کہ تا اہل و چندین دورہ  
 اہمال خلاف شرع و عرف کردہ و بدوش او را  
 ازین خود راندہ مدت است رفتہ مر (دالکی)  
 در پیش پور محمد خان کلانتر دالکی تنگی و جزہ  
 سایر قطاع الطریقان شدہ، این موقع کہ نور محمد خان  
 باستقبال ایالت آمد بوشہر، آقا کوچک مزبور  
 خواستہ شب جماعتی بخرج عمومی خود حاجی میرزا  
 غلامحسین ناجر کازرونی دمد، یکساعت ونیم از شب  
 گذشتہ در صورتیکہ دو نفر منشی در آفیس مشغول  
 تھریہ بود اند و یکنفر دیگر در آفیس بودہ و خود  
 حاجی در اطاق عقب آفیس با چند نفر دیگر مشغول  
 نماز و صحبت بودہ، آقا کوچک غفلتاً وارد آفیس  
 و فوراً تنگی خلق کردہ پیش تختہ حاجی کہ روی  
 میز تھریہ خود حاجی بودہ برداشتہ از دروب خانہ  
 فراز میکند، تا منشا و خود حاجی و سایرین حاضر  
 میشوند کہ بیچکس را نمی بینند، فوراً بہ ادارہ نظمیہ  
 و حکومت ہنادر خبر دادہ عریضہ ہم بہ آقای  
 نظام السلطہ مینویسند، چون آقا کوچک مزبور  
 شلختہ شدہ بودہ و جلی تردید نبودہ، نظام السلطہ  
 پس از اظہار رئیس نظمیہ آقا کوچک و جبہ را از  
 نور محمد خان میخواستہ، شب دیگر جبہ را میبرد خدمت  
 نظام السلطہ در صورتیکہ نہ او را شکستہ بودند، فوراً  
 بحاجی میرزا غلامحسین خبر میدهند، میرود در  
 صندوقچاہ ایالت جبہ را باز میکنند، قریب ہفت ہزار  
 تومان پول کاغذی و طلا آلات وغیرہ بودہ و کلیہ  
 قریب نھصد تومان از اشرفی و طلا آلات از اسباب  
 جبہ کسر بودہ آنرا ہم نظام السلطہ اطمینان میدہد  
 کہ گرفتہ باید سازد

امروز ہدم درپ منزل حاجی چوب و آهن  
 کج و سنگ زیاد میخواستہ، برسیدم برای چیست،  
 گفتند میخواہند دیوار و درپ خانہ را محفوظ و  
 ایستادہ بماند، ہمانہ و علاج واقعہ را ہم

عقل زیاد میشود کہ عقلا فرمودہ اند  
 مرد خومند ہنر پیشہ را  
 عمر دو بابت در این روزگار  
 تا یک تجربہ آموختن  
 وز دگری تجربہ بردن بکار

ولی باید از اول شخصی ملتفت باشد، تجارتخانہ  
 کہ مامی کرور ہا پول در او داد و سند میشود  
 کہ وکیل جشیدیان و جہایات و ایالت فارس  
 و عربستان وغیرہ وغیرہ میباشد باید ہمیشہ بقدر  
 امکان از مستعین و قراول خلی نباشد، نہ آنکہ ما  
 چند نفر نوسکر ست ہمہی تریاکی اطمینان داشتہ  
 باشد کہ یکساعت و نیم از شب گذشتہ دزد جبہ  
 را بہ برد و یکنفر جلو او باشد، در صورتیکہ  
 آفیس در بالا خانہ واقع شدہ و درپ قہو خانہ و  
 منزل نوسکر ہا ہم در همان بلہ آفیس باز میشود  
 نمی شود دم زد، مگر آنکہ قضای آسانی را تدبیر  
 نیست، باید چنین حادثہ روی دمد کہ اسباب زحمت  
 ہد ما نباشد و مراقبت در کارما شود

نزول رحمت طوری امتداد پیدا نمودہ کہ اعلی  
 این رحمت را زحمت میدانند، اختلافات و اشتہارات  
 بی اصل کہ ہمہ روزہ بوسیلہ رجال اللیب در شہر  
 غوغایی مخصوصی داشت این اوقات بواسطہ سکوت  
 حکومت قدری مایل بانحاط گشتہ، در چند شب قبل  
 رئیس نظمیہ کہ فعلاً داد کفایت را دادہ و میدہد  
 چنان جلالت و رشادتی اعمال نمود کہ بنان از بیان  
 او عاجز است، در هنگامیکہ او ہی زادہ جناب حاجی  
 میرزا غلامحسین (آقا کوچک نام) ساعت یک و  
 نیم از شب حملہ بجمہ دہ ہزار تومان حاجی برد  
 پس از طرف نیم ساعت رئیس نظمیہ احضار گردیدہ  
 با حال تشجع اشہالی کہ داشت پلبس ہا را فوراً  
 برای گرفتاری سارق بہ بزنکہ های معینہ فرستاد  
 خودش ہم مخصوصاً بدرپ خانہ عبد الرسول  
 کلانتر رفتہ و او را از ماجرا مسہوق، و کلمات  
 تہدید آمیز ہم باو میزد، و در سایر نقاط دیگر  
 لازمہ مراقبت بعمل می آورد، تقریباً نصف شب  
 میشود در ہاٹ نیمہ شب خود و چہار پنج  
 نفر دیگر پیادہ بمنزل جناب ایالت نہ یک فرسنگی  
 شہر است میرود، ایالت را از خواب برانگیختہ

چنان می‌نمایند که سارق در اردوی ایالت است و دولت این مال را از شخص ایالت می‌خواهد، در همان وقت که سؤرت سرما آنها را بچ کرده مراجعت بشهر میکند ( فردای آن روز ایشان را در معبر از دور بدیدم آثار سؤرت سرما را که چه بسر و صورت ایشان آورده ملاحظه نمودم )

بهر حال از حسن حسابات این جوان عبور اسباب آسایش تمام اهالی شهر فرام گشته امیدواریم همینکه يك اداره قانونی مابوظیفه عمل کرد سایر ادارات هم تمامی بافت نمایند و آسایش عباد را فرام آرند چنانچه چند روزیست که اجس بلدی هم می‌خواهد در صراط آن باشد که باعمال خیره و نوییه اظهار جهانی کند، شکست تر آنکه حکومت هم تا يك درجه از اثر بی به مؤثر می‌خواهد به برد

( ننگستان )

زایر خضر خان که در حساب اداره گمرک و جناب حکمران و اولیای امور میده و منشا اغلب بیوالاتیها بود و حال که ایالت فارس تشریف فرمایی بشهر شده اند می‌خواهد جلوگیری از تاملیات او بجاید باد برگ مردیش خورده کوشان است بهر وسيله باشد با ایالت مقاومت و با اعتقاد خودش دفاع نماید، جماعتی را که مرکب از دوستیست قراست دور بر خود جمع نموده میل دارد که اگر دست عیبی استمداد در همراهی او میکنند بخوبی اسباب بدنامی ایالت را فرام آورد،

تنگستان آن اهمیت داشته صکه بنواید رد امر دولت کند، هر وقت ریشی نکانده از خود آورد بوده، حالام دون استعانت نالت يك ذره مقاومت نخواهد کرد

( زایر حسین زایر حیدر باعکی ) باغک دهی است از دهات تنگستان که خانه زایر خضر خان در آنجا است ) چون قدمت بستگی بخانواده مرحوم نظام السلطنه داشت از این نظام السلطنه حالیه هم احازه بوکری را مجدد یافته به تنگستان معاودت نمود و از همراهی زایر تفر جست

( برازجان )

بrazجان قصبه معموری است فعلاً ایالت سرگزرا

اسماعیل خان و اردوی موافق در صدد اصلاحات و انتظامات لازمه و آبد، کان بنده (وقایع نگار) است که اگر این صفحات را منظم نکرده بخوانند بخاروس تشریف ببرند از همه چیز حق وسیدن بشیراز هم باید مایوس باشند

( جاه کوتاه )

جاه کوتاه و نوابش مختصر بلوکی است متعلق بشهره ضابطش در بوشهر نصب و عزل میشود، ضابط ساختن بسبب سوء خلق منفور رعایا گشته از آنها آواره و بی اقتدارش کردند، حکومت بوشهر هم چون حالتش این است که طرفی صرفه و زور را ترجیح بر همه قسم معاهدات میدهد با آنکه باصابط اول هم عهد و سالیان دراز انگشتر گردان او بود تبدیل ضابطی ضابط اول را به برادرش ضابط نانی نمود بشرط های چند که اظهارش باعث اطمینان است، در این سوق اردوی ایالت شیخ حسین خان همه جا معاون ایالت و مستحفظ توب است رعایا و ضابط جدید تنوم اینک شیخ حسین کیفر کردارشان بنماید عربیه تسلماه باین مضمون بحکومت بوشهر نوشتند اما رعایا و ضابطان که سمت جاگری بحکومت جلیله بنادر داریم مطمئن نیستیم که ایالت فارس ما را آسوده بگذارد تکلیف ما چیست،

حکومت عین عریضه آنها را برای جناب معین الدوله پیش کار ایالت فرستادند از ایشان این جواب رسید، ما محض آسایش رعایای آنها علی اکبر خان پیشکار خودمان را فرستادیم که بآنها اطمینان جانی و مالی بدهد که اگر بکمک و امداد زایر خضر نرود از همه قسم بلایا معصومند

( دشتی )

اهالی دشتی دو بارت بودند، يك حزب عمدتاً آنها با خیالات و حرکات زایر خضر و دستور العمل از بوشهر مترقب همراهی زایر خضر بودند جماعتی دیگر بسد آنها طالب اصلاح و مایل حسن فطرت بودند، این اوقات بواسطه حسن تدبیر عقلا و درست کاری بعضی از اهالی آنها همگی جز محدودی قلیل مستظهر حرکات زایر خضرند، ولی ظن متاخم بهم است که اگر اقدامات عملی دیواره عموم متفلسفین هر جا نشود تا اردو عقب برانند بلای بوشهر

تلگراف ایالت جدید فارس

از برازجون به بندر عباس

مصباح دیوان - این تلگراف را با ولین وسیله ما قاصد مخصوص به امیر آقا خان منصور السلطنه رئیس ییل عرب که حالا با در شکیل با در مرزفندی رساید و جواب مطالبه نماید. آقامی منصور السلطنه - از روز ورود بوشهر چیزیکه اوقات شبانه روز مرا مشغول داشته ملاحظه تلگرافات وزارت جدیده داخله و ایالت کرمان است که تسلمات اهالی کرمان نسبت به زرزی و شرارت عرب اشعار میدارد. گذشته از اینکه بستگی واحصا ص شا مقتضی است که در حکومت من کمال سعی و مجاهدت را در کفایت بجلوگیری از شرار عرب مرعی دارند عرزه و نسبت شخصی خود یک چیزی است که نباید شا را آسوده بگذارد در موقعیکه این ییل در اداره اولاد نوام هستند تعرض و ماله میکنند که ییل و طایفه ما را بنا جنس سپرده اند. حال هم در دست خودتان است. و بی عززکی و بی مبالای بگذارد که جلوگیری نماید. صریحاً مینویسم که بذات خدا اگر عاجلاً در استرداد اموال مهو به از کرمان و غیره اقدام کامل نکرده از شرارت آنها جلوگیری سخت نکرده هم خود شا باید بکلی از محبت من صرف نظر و مالمه از حاکم فارس خارج شوید و هم هست و زندگی این شرار را بر باد خواهم داد. اگر قادر باین حرکات باشد، جواب فوری و نتیجه اقدامات شمارا منتظرم. صریحاً مینویسم اگر جلوگیری عاجل نکرده اموال مهو به رد نمودید کاری خواهم کرد که هر یک زن و مرد آنها بدست ده نفر اسیر باشد و خود شا هم از همه چیز صرف نظر کنید

( نظام السلطنه )

مکتوب مراغه

مراغه و اطراف و طرق و شوارع آن از توجه و مواظبت آقای حاج شجاع الدوله امیر نویان و حکمران در کمال امنیت است و اهالی در بیست امن و امان غنوده اند. و ادارات قانونی عدلیه، بلدیه، انجمن ولایتی، و انحصارات تلافی، همگی در نهایت رونق و اعتدال مکتوب شده مشغول هستند. مخصوصاً هدایه

که در اکثر ولایات مخالف با حکام هستند، از حسن توجه معظّم له در مراغه در غایت تسلط و اقتدار مشغول رفع ظلم و احقاق حقوق مردم است، و میتوان گفت در مبدع ولایتی عدلیه سام مثل مراغه نیست. مخصوصاً رئیس عدلیه مراغه جناب ونوق حقان گویا برای اهالی ابر شهر فرشته است و قریب یکسال است که در تبریز در محسن ابرق بعد از یاد قسم مراغه تشریف آورده اند کسی نتوانسته تشار الیه ایرادی وارد و با حکم ناحق و خلاق صادر کنند. و حکومت نیز توجه تامی در صحت جریان امور عدلیه و سایر ادارت دارد در ساوجبلاغ نخل و تجاوز عساکر عثمان زیاد شده امر زما که آقای بصیر السلطنه محکومت ساوجبلاغ آمده یکصد سوار جار دولی و یکصد سوار افشار در محبت ایشان بساوجبلاغ رفته اند. اراحیف می شنویم. مامور حکومت ساوجبلاغ نمی تواند تنها با طرف تردد کند. از عساکر عثمانی با خودشان می برند و میگویند از سوء اهلاق ایسکه جناب احتشام الملک امیر تومان فرزند حاج بهاء السلطنه سلیم پاشا خان مرحوم که از مشروطه خواهان حقیقی است و مخصوصاً در عهد محمد علی میرزا که هموم خوانین و برادر بزرگش باقر خان بهاء السلطنه به محاصره تبریز رفتند فقط معزی الیه نوبت و ابا کرد و الان که سر کردگی سوار جار دولی با ایشان است و یکصد سوار بساوجبلاغ فرستاده اند حکومت ساوجبلاغ مشارالیه را متمم کرد. و الان مراغه آمده مشغول مذاکرات با ایالت آذربایجان و رفع تهمت است. حال آنکه درین ایام باید اولیاء امور ازین قبیل سرکردگان غیور مشروطه حواء متوجه شده بال و بر دهند و پشت گرم نموده برای مقابله و مقابله با عساکر متجاوز روس و انگلیس و عثمانی حاضر کنند نه اینکه باغراض قضائی دلسرد و بر شکسته نمایند و از خدمت وطن باز دارند. ایران مشروطه شد که خدمات صادقانه و خالصانه هر کس در پرده خفا نموده باندازه کار و قابلیت مردم درجه و امتیاز بدهند و کار رجوع کنند. نه اشخاصی عالم و کار آمد را از کار کنار و متمم و دلسرد نمایند. و الحقیقه باعث عدم شرفتمت امور همین اغراض قضائی است

عقبه نائب السلطنه ایران

مخبر رفته تر از طهران خبر میدهند که وکلای مجلس یکشنبه گذشته بملاقات والا حضرت ناصر الملک نائل، نائب السلطنه آمان را برای نجات مملکت دعوت بانجام نموده و اظهار داشتند که ناوقتیکه در مجلس يك اکثریت نامی حاصل نشود ایشان از قسم خوردن رسمی تناهد خواهند ورزید. و نیز از خجای کلام-ان طامر گردید که دخالت وکلا را در معاملات خارجه قدری زیاد میدانند

اخبارات خارجه

در نواح (خودیادیان) چین که مرکز و ما شناخته شده هرار هر از قشون چین مامورند که نه کسی را بدام راه دهند و نه کسی از آنجا اخراج شود برخی از دهات یکدفعه بی سکنه مانده (۸۰۰) هر اجساد و مائیان را نفت ریخته آتش زده اند. هراران در جنگلات تلف شده مرغان هوا و جانوران صحرا را طعمه گردیده اند  
 (جنرال کرونی) سردار حلیل القدر بوئر که محصور لارد لارت گردیده بود این ایام در وطن خود ترك زندگانی گفت

نیر اعلی حضرت خارج بحم در نطق افتتاحی پارلمان اظهار داشتند که اتحاد ما با دول سائر کاکان برقرار است

دولت ژاپون تویم عهدنامه تجارتن سنه ۱۸۹۴ را خواهش نموده و تجدید عهدنامه تجارتی می شود و امید است که یکامیای انجام گیرد

در شهر کونک جنکسی واقع منچوریا روزانه هرار هر از طاعون تلف می شوند در (خودیادیان) چهار هرار اجساد طاعون زده رای سوزانیدن موجود است، سائر مقامات نیز خیلی در خوف و خطر است، در (هواس) اجساد را در روی برف ها انداخته مانند کوهی شده است و باین خیال نعلش ها را در آنجا ریخته اند که پس از دوب برف نعلش ها را بطرف دریا بریزد

در اسلامبول عمارتی که در آن اداره وزیر داخله و شورای دولتی بوده حریق واقع شده و بسیاری از نوشته جات هم سوخته است

سه جهاز زره پوش از (پورت اسمیت) بمجاب هنگکاک رهسپار گردید

دوات آستریا فرمایش تعمیر دو کشتی عواس ه کارخانه مکسیم داده است

تلگرافات

(۱۰ فروری - ۱۰ صفر)

مرض طاعون در کلیه منچوریا سرایت نموده

میشود - در بندر (هاربن) مرض طاعون اندک تخفیف یافته - حکومت بعد از فسخ عزیمت و لیسهه آلمان از مسافرت اقصای شرق قرار ر این داده آن مبلغی که رای پذیرا ایشان معین شده بود در دفع مرض طاعون صرف نمایند

(۱۱ فروری - ۱۱ صفر)

مارشل عبدالله والی حجاز که بسرمداری قشون یمن مأمور شده بود در نواحی جدید، مرض قلب مبتلا و ترك این جهان فانی را گفت

بواسطه حل افعال اردوی یمن دولت عثمانی را مشکلات پیش آمده است این اردو مشتمل است بر ۲۴ بتالین بیاده و ۳ توپخانه که دارای ۱۲ مکسم و سه توپ قله کوپ میباشد - در داخله یمن برای حمل افعال اردو بیشتر خوف دامن گیر است - چه اعراب شترهای خودشان را در کوه ها و وادیهای دور مستور داشته اند - عدد اعراب خیلی بیش ازین اردو و تمام مسلح اند باسلحه خوب و افواهاست که دره (منحالی) را که فاصله بین دریا و صنعا میباشد اعراب قبضه نموده اند

(۱۴ فروری - ۱۴ صفر)

در پاریسان اسکاتلان معاون وزیر خارجه در جواب استوالی اظهار داشت که در مناشه (کوناکو) تصفیه ژاپون از روی قاعده بود، و خارج از موقع است که از این طرف در تصفیه این امر شکایت پیش شود  
 مستر مون تیکو در جواب مستر لوید اظهار داشته که دولت فرانس در کانکره بروکسل مجبوریت خود را در آزادی تجارت اسلحه به مسقط اظهار داشته است

عزت پاشا بعهده مارشل عبدالله که در جدیده وداع زندگانی گفت برقرار آمد

(۱۵ فروری - ۱۵ صفر)

باوجودیکه در (کوانگ جنکسی) روزانه دو بیست نفر از مرض طاعون تلف می شوند معذالك موهای سر مردگارا بدون رعایت (مکروب طاعونی) به آلمان و انگلستان مفرستند

چنان تصور می شود که در (ولادپوستک) نیز مرض طاعون آغاز نموده نموده چند نفر چینی ها را مرده یافته بر آنها تصور طاعون کرده اند

(۱۶ فروری - ۱۶ صفر)

بموجب خبریکه دبلی تلگراف یافته (لارد کروی) در مسافرت اعلی حضرت جارج بهندوستان معیت خواهد داشت

بواسطه اینکه دولت روس ممانعت نموده که شاگردان مدارس در معاملات پلتیک شمولیت نمایند شاگردان



منظره عجیبی نمایان شد وقتی که پلیس در موقع تقبیر بر آنها داخل گردید، شاگردان شروع به تفرق و پرتاب نمودن برخی اشیاء بطرف پلیس نمودند، ۱۵۰۰ نفر شاگردان گرفتار شدند، اثر این بلوا در شهرهای دیگر نیز نمایان شده، حتی مدارس دختران هم نیز شمولیت در این بلوا دارند

نی بلوای شاگردان مدارس در پترزبرگ جاری و پلیس در صدد جلوگیری از عیاف و مقررین است، رئیس و نائب رئیس دارالفنون پترزبرگ استعفا دادند

### چین و روس

بوجب اشیاء ( بورس گزیت ) در معاملات چین دوزارت جنگ شوران منقذ و در آن موضوع بحث می شود. بقیه روزنامه مذکور دولت روس از تجاویزات چین مواد عهدنامه جت بسنوه آمده، وزارت خارجه روس در این خصوص عنقریب آخرین رای خویش را اعلان خواهد نمود

مخبر روز از پترزبرگ خبر میدهد که دیرباز است دولت روس از حرکات دولت چین و عقیده خاطر بود و بتازگی اقدامات مخالفه چین در مسئله طاعون برخلاف روسیه روسیان را بی طاقت ساخته است. این است که دولت روس مصمم اقدامات شدید برخلاف چین گردیده است و چنان آور می شود که دولت روس مجدداً ( کاج ) را قبضه نماید و این مقامی است که بموجب عهدنامه سال ۱۸۸۱ دولت روس تخلیه نمود.

دولت روس رسماً به دول فرانس - آلمان - انگلیس - اطلاع داده که بر سرحد چین نمایشات قشونی خواهد داد

دولت روس سعی است که مواد عهدنامه ۱۸۸۱ را جبراً به چین قبولاند بموقع اجرا گذارد بوجب آن عهدنامه، در ( منگولیا ) آزادی تجارت و حقوق خریداری املاک و برقراری قونسل در ( کوندو ) برای روس مخصوص است. وسلوک با رعایای روس مثل سلوک با بومیان مقرر شده

عنوان یاد داشت روس به چین اشاعت یافت مواد مذکوره فوق را حاوی است، چیزیکه بر آن اضافه می باشد این است که علاوه بر قیام قونسل روس بر ( کوندو ) قونسلات در ( خای - کتشین - کلاشا - چرکتشک - ارکا - الجا سوتانی - کاشغر - ارومندی و کلگن ) برقرار دارد و در مقامات مذکوره رعایای روس را حق آن باید باشد که املاک خریداری نمایند، و در صورتیکه دولت چین از تحصیل مواد این یادداشت تمرد نماید دولت روس را حق خواهد بود هر وسیله تواند در اجرای مواد عهدنامه بکوشد

دولت روس به دوایکه تعلق به ( منگولیا ) دارند اطمینان داده است که هیچوجه قصد تصرف و دخالت در خاک چین ندارد، فقط اقدامات روس منوط بحواب چین است که آیا خواطر خواه خواهد بود یا نه، در هر حال تا وقتیکه جواب خواطر خواه از چین نرسد قشون روس در حرکت خواهد بود

نی اخبارات مناقشه روس و چین را موضوع بحث آورده بطریق مختلف عقاید خود را ظاهر می دارند. طمس مینویسد: اگرچه دولت روس ضرورت این اقدام و علت آن را ظاهر داشته ولی وجوهانیرا که پیش نموده برای چنین فشاری بر چین کافی تصور نمی شود و خوف آن میرود که حرکات روس تغییرات خوفناک در سیاسیات موجوده چین بش آورد و ممکن است که این حرکت بر تمام چین اثر نماید، این رو امید می نماید قبل از آنکه روس آغاز به پیش قدمی گذارد موقع را شناخته کاملاً خوبتر را. سنجش آورد

استندرد مینویسد: که ما این مشکلات رسمی در چین لابد روس وجه کافی برای اقدامات خویش تهیه نموده است

دیل گرافک در این اقدامات دولت روس را ملامت و شانت می نماید که ادا اقدامات روس مبنی بر صحت نیست

تامس فرانسه می بیند در دلیل اقدامات روس آهین بجه آلمان را و اظهار میدارد که از سی سال باینطرف در هر موقعیکه آلمان و روس، واصلت تازه نموده اند مسئله ( مسکویت ) در آسیا بش آمده تولید خطرات در اروپا برای او و دول متعاهد ما وی گردیده است اخبار مذکور تذکره میکند اقوال بسیار را در خصوص اتحاد فرانس با روس که منجر نمایشات ( فریک ) تواند گردید در آسیا

روزنامه سهیل مینویسد: - هیچجه ماه است که دولت روس مسلک ژابویان را در منچوریا اتخاذ نموده بخمال اینکه شاید مسئله اصلاحات چین را دو مرتبه زنده نموده منبر به یک انقلاب عظیم گردد

پارلمان رجست آلمان دومین مرتبه خواهش نمود که نوشته حات واجبه به ( کوجیو ) پیش شود وزیر بحری آلمان اظهار داشته است که عقیده چینیان واضح است در اینکه دولت آلمان هیچوجه مائل به تحصیل مستملکات در چین نمی باشد و هیچجه تصور کرده اند که مسلک آلمان برای آلمان بهتر از سایر اروپاییان است - لذا عقیده او این است که اگر ( کوجیو ) را نگاهدارند تمام منافع منصوره آلمان در چین برای آینده معدوم خواهد گردید

وزیر ایران در مهراں خیلی بزرگی که انجمن اتحادیه انگلیس و شرق دیروز در لندن دادند صدر نشین بود، و جناب سید امیرعلی در آن مجلس خطابه راجع به منظورات اخلاقی مذهب اسلام خواند.

سید امیرعلی گفت که جوانان هند که رایج تحصیل باین ملک می آید سخن است که تکالیف خود را در فراموش نمودن مقاصد مذهبی شان فراموش کنند. اسلام فقط حرف و فقط مذهب نیست. دستورالعمل تمام زندگان است. مذهب است که ما صحت خیال صحت گفتار و صحت اعمال را می آوزد نباید هر قدر خودتان را مسلمان بدانید و آ بوقت هر چه طبیعت میل میکند بکنید. چندی است در میان اهل هند این حرف معمول شده است که میگویند اول مذهب است بعد مسلمان. من هیچوقت نشنیده ام که بکنار عیسوی حقیق بگوید که اول انگلیسی هستم بعد عیسوی. اول اطاعت بخدا و بعد پادشاه و بعد به پادشاه و ملکت باید روش زندگان مردمی باشد.

وزیر ایران گفتند که قایماً و قویاً همراهی دارم با نصیحتی که جناب سید امیرعلی محو انان مسلمانها بیکدیگر در این ملک هستند دادند، و تاکید کردند که منظورات عالی مذهب خود را همیشه در مد سر داشته باشند ممکن بود نصیحت عاقلانه تر از این بدعند. در واقع ترجمه چیست اگر اخلاق بمراتب عال نرسد (مخسب). اخلاق است که اسباب قوت مرد است. و از مردمان قوی مال قوی تر تکبیب میباید پس باید پیروی مذهب خود و منظورات عالی آ را بکنید، جناب سید امیرعلی بشا گفت که شخص نباید فقط بک مذهب داشته باشد. باید آن مذهب را دوست داشته باشد و محاسن آن را ملتذت باشد، و مذهب اسلام احق محاسنی دارد که شمه از آنرا آقایی سید امیرعلی مکشوف داشته بشا گفتند. که این مذهب است که صحت خیال، صحت گفتار، و صحت اعمال را می آوزد، یکی از نویسندگان انگلیس قوانین مذهب اسلام را معجزه حضرت رسول نامیده است، و فی الحقیقت معجزه هم هست، معجزه ایست در علم،

مجرمایست در دور اندیشی، معجزه ایست در عقل. می بینید مسئله نیست که فراموش شده باشد، قوانین از تمام شعباتش از قبیل قانون برالملل و قوانین حکومت، علم، ثروت، قواعد، اخلاق و حفظ الصحة، مذهب اسلام حکومت ملی را تجویز میکند، کف نفس را تجویز میکند. مساوات را تجویز میکند

پس اگر نصیحت جناب سید امیرعلی را گوش بدهید و از هجره موافق دین محمدی رفتار کنید صراط المستقیم را طی خواهید کرد. هرگاه بتاریخ رجوع کنید ملاحظه خواهید کرد که زمان که اسلام بدون مخالف مطابق قوانین اسلام عمل میکردند قوی و فاتح بودند. علم و صنعت در ترقی بود، ولی بعضی اینکه قصور در اجرای قوانین محمدی نمود و خوش گذرانی و حق پروری را بر خود مسط ساختند ضعیف شدند و تزلزل کردند. این مثالی است از تاریخ و دایله قوی است بر اینکه نصیحتی که شنیده اید بگوش بگیرید

### ایضاً

( مورخه ۱۳ ژانویه ۱۹۱۱ )

( حالت جنوب ایران )

موجب اطلاعی که از سفارت ایران جا رسیده تلگراف رسمی ذیل را آت سفارت دریافت نموده است

رابورتهای که از جنوب رسیده دلالت میکنند بر بهبودی کامل در اوضاع آن حدود، اردوی سیار در تحت ریاست فاتح الملک باصفهان رسیده است و عنقریب از اصفهان حرکت نموده به نقاط دیگر خواهد رفت، نظام السلطنه فرمان فرمای جدید فارس وارد و فوراً موافق دستورالعملی که بایشان داده شده اقدامات خواهد نمود برای حفظ امنیت کامل. ژنرال مالتیا با قشونی است که بسمت جنوب رفته است، مشارایه مامور است ژاندرمری را مرتب و منظم نگاهدارد، صاحب منصبان سوید هم که دولت ایران خواسته است با ژنرال مالتیه متفق شده در این کار معاونت خواهند کرد، قشونی که حالا در جنوب است ( بانضمام آدمهای صولت الدوله که قراولی راه پوشهر شیراز و اصفهان را میکند ) پیش از حد کافی است برای اطمینان از دوام امنیت و آرامی

( جیل المین کلکتہ )

(مدیکل کالج استریت نمبر ۲)

HABIBUL MATIN OFFICE  
4, MEDICAL COLLEGE STREET  
CALCUTTA

( کلبہ امور ادارہ نا )

(مدیر کل مؤیدالاسلام است)

( ہر دوشنبہ طبع )

( وسہ شنبہ تو بیع میشود )

( ہر دو شنبہ )

(۲۷ صفر المظفر ۱۳۲۹ ہجری)

( مساب نا )

( ۲۷ فروری ۱۹۱۱ میلادی )

و فلا حق المد ابونہ بدون قبض ندارد و وقایع  
( مشترکین را قس خصوص سال ہیچدم است نباید )  
( ذمہ دار بری شناخته میشود )

( قیمت اشتراک )

( سالانہ — شش ماہہ )

( ہند و برہمہ )

( ۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ )

( ایران و افغانستان )

( ۲۰ قرآن — ۲۵ قرآن )

( عثمانی و مصر )

( ۵ مجیدی — ۳ مجیدی )

( اروپا و چین )

( ۳۰ فرنک — ۱۶ فرانک )

( روس و ترکستان )

( ۱۰ منات — ۶ منات )

سنہ ۱۳۱۱

# المبتدع

مراسلات خصوصی بدون امضای

( معروف ادارہ درج نمیشود )

در این جریدہ از ہر گونہ اخبار و وقایع سیاسی و سماج دولتی و فواید ملی بحث میشود  
( معالات عام المنفہ مقبول و در انتشارش ادارہ آزادست )

## کابینہ جدید ایران

مشکلات داخلی را اگر بدقت ملاحظہ کنیم سہمتی از مشکلات خارجی مان است و میتوان گفت مشکلات داخلی تا اندازہٴ ب مشکلات خارجی مان افزودہ ، چیزی کہ بیش از ہمہ محل دقت میباشد ہما عدم استقامت و سہر ملتیمان در بشرف امور است . مسلم است رفع انقلابات یک مملکت وسیع و تبدیل سلطنت دویک ملت کم تعلیم اصول جدید امری سہل و آسان نیست کہ بمجرد روی کار آمدن یک کابینہ ولو ہر قدر فعال باشد متوقع باشد کہ چرخہای دولت در بحر ای صحت رواج افتد

ایرانیان بواسطہٴ عدم علم و تجربہ از اوضاع جدید بدرجہٴ عجولند کہ یک کابینہ را چند ماہ فرصت میدہند کہ اگر گویا قابلیت ہم در وجود دارد بمنصہٴ شہود برساند، چون ہمہ سہر و تہ یک کر ماسیم وزرای ما نیز علاوہ بر اینکه در عجبہ ما ملت شریک اند تا بآن گز سکرده پاره میکنند، وبدون اینکه اجماع مواد سرانامہٴ خود را بسنجند از سخنان دل خوش کن ملو و زاید از حد توقع و تصور از ابتد املت را امیدوار بخویش می سازند همین کہ چندی بوزارت قیام نمودہ مشکلاتی در جلو دیدہ بروند در حرارت اوایہ رواج دادہ رخلوت در عزم خود پیدا می نمایند ، در ملت عجولہم ہمینکہ سربعاً علائم نیک بخشی از کابینہ ملاحظہ نشد

آغاز بزمہ ہای نفرت آمیز می شود، چون از اصول مذاکرات ادبی و وضع اعتراضات سیاسی بی اطلاع مباحثات از دائرہ ادب خارج گردیدہ کار بدشنام و سخنان زشت کدیدہ رفته رفته آب میثت کابینہ محبوب صادق ہیولای مدہش منفوری کسب می باید و اندک اندک با اندازہٴ کارملا میگردد کہ باعمال دشمنی و خیانت منہی می شود

چیزیکہ از ہمہ بیشتر یأس آوراست ہما نازک دلی یا عدم قوت رأی وزرای ماست کہ بمجرد زمزمہٴ مخالفتی دست و پا را سست نمودہ از کار بازمانند و کابینہ را دوجار بجران ساخته طبعاً مزید انتشارش شدہ از دید نفرت تولید میگردد، و کار محانی منجر میشود کہ اگر کابینہ را قدرتی ہم باشد از بشرفت عاجز ماند ، چنانچہ اگر مذاقہ در پیش آمدہای این دورہ مشروطیت شود عمدہٴ خرابی کارها از عجزی ملت یابی تجربیکی و نازک دلی یا عدم قوت رأی وزرای ما تولید گردیدہ است . ہماہ یک کابینہ یک حال جامدہ و دویک مسلک قدم زودہ است ، عجب تر آنکہ جرائد ملی کہ مہذب اخلاق ملت شناخته شدہ بیش از سایر طبقات پیر و مسلکی یا تلون مزاحی اند، یعنی همان وزیری را کہ دیروز بدون استحقاق ما هزاران شد و مد میستوند ہمینکہ از کار کنسارہ گرفت بیگناہ، و بدویث ثبوت هدف تیر ملامتیں

جسازند و کوچک ترین نسبتی که با او داده میشود (وطن فروشی) و اقل مجازاتی که برای او می طلبند (اعدام) است، و اگر این بی مسلکی در حق يك كابينه مرعی بود قابل التصدیق تصور می شد ولی چون رعایت این بی مسلکی در حق هر هیئت كابينه بآسویه دیده می شود جز اینکه گشته آید، بدبختانه ارباب قلم مان هم از سرونه همان کرباسند چاره نداریم عیب کار جای دیگر هم هست یعنی اگر ما دارای وزارتخانه های صحیح بودیم و وزارتخانه های ما صورت اداری پیدا کرده بمرحمان وزرا یا تبدیلات بی در بی كابينه و تعویض آنها این قدرها زیان رسان نبود، ولی هنوز وزارتخانه های ما در (آیدم) وزرا محصور است که در هر بحرمان كابينه جمیع کارها از مجرای خود خارج می شود و در تبدیل و تعویض وزرا وزیر تازه خود را دارای هیچ مسئولیت سلف خود نمی داند، و اگر از او سؤالی بشود جواب میدهد که من چند روز پیش نیست به این وزارت رسیدم، این است که نتیجه بی شرب الیهودی و عقب افتادن کارها تا کنون ظاهر نگردیده است چنانچه اوضاع این دو ساله اخیر این اصول نامرئوب را در انصار همه مجسم ساخته است.

حبل المتین از ابتداء برای سرداران قانع قبول وزارت را جائز نمی دانست و علت هم بدون تردید بر خود ثابت واضح گردید. ولی امروزه وزارت سپه دار اعظم را که قائدتاً بصوابید و الاحضرت ناصر الملک است یکی از علائم خوشبختی ایران تصور می توان نمود، مشروط بر اینکه کابینه وزراء دارای يك مسلک باشند احزاب سیاسی و سایر طبقات ملت با متنبای نگرانی که از وطایب مایه بشمار است تلون مزاجی را کنار نهاده پیرامون عجب و هوا س نفسانی نگردند و بانر هر نوای مغرضانه و پلنگت خلجی برقص در نیابند

(سپه دار اعظم)

تنها جنان است مواد دلیل که از طریق دوات خواهی عرض شده بدقت ملاحظه فرماید

(۱) حسن عقیده ملت را حضرتت در حق خود ملاحظه فرمودند، جای انکار نیست که بواسطه بحرانی بی در بی كابينه حضرتت عقائد بعضی را مشوب ساخت، و این نکته سبب عمده عدم پیش رفت کار گردید. ملتیکه حضرتتالی را بقیادت و ریاست

مسلم داشته هرگز متوقع نبوده و نخواهد بود که باندک ناملائقی که از امور طبیعی يك چنین مات بوده و هست و غالباً از تشبثات پلنگی خارجه هم تولید تواند شد و بجه خاطر گردید، درست اگر دقت شود دیده خواهد شد که در يك سال ریاست كابينه حضرتت متجاوز از شش ماه كابينه در بحرمان توقیف ماند، لذا در این دوره تنها داریم که از بحرمان كابينه بهره بزنند و قدری عطف توجه ناملائقی که وزرای سایر دول مشروطه از ملت ووکلای شورا می بینند نموده ملاحظه فرمایند که چه گونه آن وزرا مانند سد سکندر از جلو اعتراضات و حملات خودی و بیگانه ایستاده در اجرای مواد سرانامه خودشان بی ثبات می افشرد

(۲) البته در مواد سرانامه ای که بمجلس شورا پیش شده دقتی لازم را در لوازم و سهولت اجرای آن فرموده، لذا بزرگترین هم این كابينه باید انجام مواد سرانامه خودشان باشد تا بحول و قوه خداوندی این اولین كابينه باشد که کابینه مواد سرانامه خود را در موقع اجرا گذارده باشد

(۳) تاوقتیکه وزارتخانه های ما اداره نشود و وزرا (قانون میگوید) را ورد زبان نسازند هیچ کاری از روی سخت پیش رفت نخواهد بود. و بر فرض هم که يك امنیت بحرانی یا يك صورت بهبودی در کارها نمایان شود بی شاورده خواهد بود، و همین حکم را خواهد داشت که در دوره استبداد هم بعضی از وزرای خیرخواه پیدا شدند و راه نیک را پیوند ولی بعد از عزل آنها تمام آن خیالات نیک عاقل و باطل ماند،

پس اگر میخواهیم اساس ترقیات مملکت را محکم سازیم قبل از هر اقدام باید وزارتخانه های خود را اداره بنایم تا بحرمان يك كابينه یا تبدیل و تعویض يك وزیر کارها را از مجرای خود خارج نسازد، و این منحصر است بطلب نمودن مستشار عالی خارجی از دول بی طرف اهم از آوچک یا بزرگه، هیچ نقضی بر وزرای ما نزد بیگانه و خودی وارد نخواهد بود اگر در حق شان گشته آید که علم اداره ندارند و یا اگر علمش را دارند تجربه و عمل ندارند، چه تا امروز ایران دارای هیچ اداره نبوده که وزرای ما تجربه آموخته و عملیات حاصل کرده باشند.

پس اولین وظیفه و نیکی ترین اقدام در پیش رفت امور جلب مستشار های خارجی است برای ادارات و وزارت خانه ها ، ولی مشروط بر این که از آن ها کار بگیرند و برای نمایش نباشد ، چنانچه بسیاری اروپائیان را از دوره استبداد تا کنون مستخدم گذارده از وجود شان هیچگونه منفعتی نبرده یعنی نخواستیم که ببریم ، دو صورتیکه وزرای ما اندک از تعلیبات بی قاعده فرود آمده ترک بگویند در مذهبهای سهولت از مستشار های خارجی ( من میگویم ) را میتواند منتفع گردند .

(۴) برای پیشرفت مقاصد این کابینه هیچ چیز مانع تر از تشکیل یک قوه جامعه بنسبت نمی آید ، تشکیل چنین قوتی هم جز بر مع کمورت از سرداران و رؤسای ایلات میسر نمی شود بعبارت ساده تر هرگاه حصر تعالی موفق گردیدید اتحاد سرداران و رؤسای قشقان و بخیاری و ، و ، و ، خدمتی بوطن محبوب خود فرموده اید ما فوق خدمات اولیه تان ، چه باتفاق دانایان اگر رؤسای ایلات با یک دیگر اتحاد صمیمی در حفظ استقلال وطن نمایند ایران برای همیشه از دست برد اجاب مصون و محفوظ تواند ماند بقصد عامه سیاسیون فریک فشار دو همسایه و تقسیم شدن ترکه مابین دول سائره بدون املاع خودمان ناشی از عدم قوت دولت است و عدم قوت دولت از عدم اتحاد رؤسای ایلات می باشد ، چه امروزه قوای دینی مملکت منحصر بایلات شجاع است و پس و این قوه را هیچ مدافعه حقوقی تا وقتیکه دولت بالا صاله دارای قوتی بشود کالی تصور میشود ، اما این اتحاد صمیمیت در کار دارد و بلفظ تنها قناعت نباید کرد ، بدو باید چیزی که اسباب تقار و کمورت رؤسای ایلات از یکدیگر است مرتفع داشت و سپس سعی برای اتحاد آنان که عبارت از حفظ استقلال وطن باشد معین نمود چه اتحاد واقعی در کلیه امور غیر میسر است ولی متحد ساختن شان در این موضوع مخصوص مشکل بنظر نمی آید و مقصود ما هم فقط در اتحاد آنان در این یک موضوع حاصل تواند گردید و هرگاه لازم دانند درین امر خاص که ماده الحیات استقلال است میتوانند تأییدات موثره از مقام منبع رباست روحانی اسلام هم حاصل فرمایند ، و کلیه مجامع در خارج و داخل و این خادم اسلامیت در انجام این مرام همه گونه کمک بحضرتعالی توانست داد ، و کان میکنم که این خدمت تاریخی حضرتت بالآخر از خلع محمد علی و اعاده مشروطیت باشد

(۵) به تصدیق جمیع دانایان استقلال ایران تا زمانیکه دولت دارای صد هزار قشون منظم تحت السلاح بشود جمیع تدابیر و تشبثات خیر خواهان حکم نقش بر آب را خواهد داشت چه امنیت نامه خارجی و داخلی در ایران بدون صد هزار قشون تحت السلاح در نقاط مختلفه سرحدی و غیره صورت ضعیف نتواند گرفت ورنه هزاره ها به دست همسایگان افتاده بی درنگ بر ما تاخته و استقلالمان را متزعزع خواهند ساخت ، با بودجه کنونی دولت هرگاه نصف آن در اداره نظام منظور شود مانند عنای هشاد هزار قشون میتوانیم نگاهداشت ، و با اصول تضام ملی و هر ساله بیست هزار بر آن اضافه کنیم توانیم نمود

پس اولین وظیفه این کابینه استحکام اساس استقلال ایران و آن نیز منحصر به تشکیلات نظامی است ، و تا وقتی که ایران دارای یک قوه نظامی نشود قیومیت همسایگان از او مرتفع نخواهد گردید و هیچ دواقی بهمدردی و همراهی ما قیام نخواهد کرد ، شاهد بر این مقال قول یکی از دانایان آلمان است « اگر ایران دارای یک قوه مختصری که قادر بر نگاهداری و حفظ امنیت خود بود ما هرگز با روس در معاملات ایران طرف نمی شدیم و بلا واسطه با خود ایران با محام مقاصد خویش می بر داخلیم » در اینصورت هرگاه کابینه جدید اهم توجه خود را در اصلاحات نظامی قرار دهد و موقتاً برخی مصارف نمایشی را ترک گوید هم امنیت داخلی قائم خواهد گردید و هم بهانه خارجی مرتفع خواهد شد و هم ترقی در نروت مملکت و اعتبار دولت پیش خواهد آمد و هم نام نیک اندی برای این کابینه در تاریخ دنیا ذخیره خواهد گردید

(۶) لازم مقدمه و شرح نیست که درین دوره نو روایت کلیه ترقیات در سایه علم است ، کابینه جدید را دو تکلیف فوری میباشد ، اول اجرای تالیفات اجباری در مملکت واحداث مدارس ابتدائی بجای در هر نکته ، دوم برسییل استفاده فرستادن هیئتی از جوانان مستعد ایرانی برای تکمیل علم و تجربه در ممالک محذمه اروپا ، و این امر نباید اختصاص بطهران داشته باشد ، باید از هر ولایت و ایالت همه ساله عده مخصوصی از جوانان مستعد بخرج دولت برای تعلیم به خارج فرستاده هرگاه باین اصول رفتار شود چند سالی طول نخواهد کشید که یک جماعتی دستمند خدمت برای دولت مهیا خواهد گردید و فسطالرجالی امروزه رفع خواهد شد ،

دومین جواب ایران به یادداشت

(نایوبہ انکلس)

تاریخ ۲۵ ذیحجہ ۱۳۲۸ نمبر ۲۲۰۶ ۷۴۴۹  
جناب جلالآب فخامت و مناعت انتساب دوستان  
استظهار مشفق مکرم مہربانا!

در جواب مراسلہ جوابیہ مورخہ ۱۴ ذیقعدہ  
آنجناب جلالآب باکمال احترام زحمت افزاست اینکہ  
اثرات توقف قشون خارجه را درخاک ایران خارج  
از موضوع تصور نموده اید بطوری کہ خاطر مہام شناس  
آن جناب مستحضرات جای شبہ نیست کہ وجود  
عساکر اجنبی در داخلہ مملکت طبعاً خاطر اولیای  
امور را مشغول وسکتہ بہ حیثیت دولت وارد آوردہ  
و بدین جهت از مقاصد حتمہ دولت در تعلیقات  
کاملہ بطور مطلوب نتیجہ حاصل نمیشود و چون  
در مراسلہ ۱۷ شوال نمبر ۵۷۱ دستدار شرح داد  
شدہ دیگر تکرار آن را در این مورد لازم  
نمیداند در باب مراودات این بوشہر و شیراز کہ  
اشارہ فرمودہ بودند بر آن جناب جلالآب  
مستور نیست کہ اولیای دولت علیہ کہ ہموارہ  
استقرار مراودات نجاری را در نظر داشتہ  
مخصوصاً صولت الدولہ را برای انتظام راہ بوشہر  
و شیراز مأمور نمودہ اند و بطلاوہ محبت تکمیل  
انتظامات اولیای دولت علیہ مقدمتاً اقداماتی نمودہ  
کہ در این موقع اجلاً باطلاع آن جناب میرساند .  
اولاً - فرمانفرمای کافی با تعلیقات لازمہ بفارس  
مامور و روانہ شدہ و عملاً قریب بحمل ماموریت  
وارد خواہد شد و بعد از ورود اقدامات اساسی  
برای تکمیل انتظام کلیہ آن صفحات خواہد نمود .  
نایباً - مسؤولیت حفظ امنیت راہ کازرون بہ  
صوات الدولہ واگذار شدہ فعلاً مشارالہ در ارادہ  
۲۸۰ نفر سوارہ و پیادہ مستحفظ گذاشتہ و  
مراقبت بعمل میآورد و موافق اخبار موثقہ راہ  
کازرون ہم در نہایت امنیت است .

ثانیاً - اردوی مرکب از سوارہ و پیادہ و  
توپخانہ اعزام شدہ ۷۰۰ نفر آہا با سہ عرادرہ  
توب کہ از طہران حرکت کردہ اند از قم ہم  
گذشتہ اند و در فوج ہمدان جلالی در اسفہان  
باردہ ملحق میشوند این اردو علاوہ بر ساخروی  
است کہ در فارس موجود است .

رابعاً - یک مبلغ معتد بہ از وجہ استقراض  
کہ در شرف انجام است برای تکمیل امنیت منظور  
بطواہد شدہ و دولت مشغول ترتیب وسائل است

کہ بواسطہ آن مخارجی کہ برای این مقصود لازم  
است بطور صحیح تشخیص دادہ شدہ و تقبش  
آن بوجہ اکمل بعمل آید .

خلساً - علاوہ بر این کہ یکی از صاحب  
منصبان اساسی اروپائی کہ در خدمت دولت ایران  
است فارس مامور شدہ عملاً قریب چند نذر مستخدم  
عاجلاً برای انتظام ژاندار مری از خارج خواستہ  
شدہ وارد خواہند شد . بقیر کامل حاصل است  
کہ باین ترتیبات منظورات اولیای این دولت علیہ  
برای تکمیل موحیدات انتظام کاملاً بعمل آمدہ و  
نگرانی کہ آن جناب تصور فرمودہ اند مرتفع  
خواہد گردید اما این کہ اظهار فرمودہ اند کہ  
از دیاد کرک نجاقوی ٹیل ۱۹۰۹ و ۱۹۱۰ راجع  
بشمال است نہ بجنوب ، لازم است خاطر محترم را  
باین نکتہ متوجہ باید سکتہ جهت از دیاد عواید  
کرکی شمال بر جنوب فقط وارد شدن مقدار مہمی  
نفرہ است و ربطی بمسئلہ تجارت عمومی مملکت  
ندارد و این کہ آنجناب جلالت مآب در ضمن  
مراسلہ محترمہ مرقوم داشتہ اند عایدات بوشہر  
در سنہ گذشتہ خیلی کمتر از سنہ بیجی ٹیل ۱۹۰۸  
و ۱۹۰۹ بودہ و همچنین عایدات مزبورہ در سنہ  
بیجی ٹیل ۱۸۰۸ و ۱۹۰۹ خیلی کمتر از سال  
قبل آن بودہ است محترماً خاطر آنجناب را مطلع  
میدارد کہ اگر چہ عایدات کرکی بوشہر در سنہ  
بیجی ٹیل کمتر بودہ لیکن در عوض بر عایدات  
کرکی سایر بنادر جنوب مضاعفاً اضافہ شدہ است .  
لہذا کلیہ تجارت بنادر جنوب را من  
حیث المجموع باید طرف ملاحظہ قرار داد کہ  
میزان صحیح از تجارت جنوب حاصل شود در این  
صورت مخوی واضح است کہ حتی در موقع مراجعہ  
بعواید کرکی سہ سال اخیر میزان عایدات پنج ماہہ  
کہ در مراسلہ دستدار ذکر شدہ ترقی محسوس را  
دار است اما در باب از دیاد پنج ماہہ اول ہذا سنہ  
کہ مرقوم فرمودہ اند حاصل اسالہ استثنای خیلی  
زیاد بودہ است احتراماً زحمت میدہد کہ زیادی  
محصولات فقط در عایدات راجعہ و بہ صادرات  
میتواند اثر داشتہ باشد نہ واردات و در خصوص  
اینکہ اطہار فرمودہ اند بر عایدات کرک بوشہر  
صدی دوازده افزودہ شدہ است زائد نمیداند کہ  
بخاطر آنجناب متذکر شود با اینکہ از دیاد صدی  
دوازده ہم اضافہ معتنا بہ و قابل دقت است و  
در اساتیک تجارتی سایر دولہم همین مقدار اضافہ  
دلیل بہ رونق تجارت است . مہمنا از عیانت عایدات

کمرک و شهر خیلی پیش از صدی دوازده است چنانکه بیست هزار و هصد و چهل و سه تومان اضافه ایت تیل و نخاقوی تیل است که تفاوت آن صدی بیست میشود، اگر فقط حقوق کمرک واردات را منظور مداریم زیادی ایت تیل بر نخاقوی تیل بیست و چهار صد و دوازده تومان است که صدی بیست و پنج تفاوت پیدا میباید، دوستدار یقین دارند که باین تفصیل خاطر اصول شناس آنجناب تصدیق خواهند فرمود که بتجارت کلیه در سمت جنوب نکتی وارد نشده بلکه در این سنوات اخیر در فضایش و ترقی بوده است، در خصوص اضافه صدی ده بر حقوق کمرکات جنوب اولیاء دولت علیه از حسن مساعدتی که دولت فخریه انگلیس نموده اند امتنان حاصل نموده با اهمیت فوق العاده که تکمیل نظم و استحکام روابط تجارتنی داده میشود ترتیبی اتخاذ خواهد شد که وجوه حاصله از این راه و نرأ بمصرف منظور رسد، در این صورت دوستدار یقین دارد ترتیبی که دولت علیه رای می مصرف وجوه مزبوره به طور مؤثر در نظر دارند رای ایفای این شرط کافی خواهد بود، اما در جواب جمله اخیراً مراسله آن جناب خاطر محترم را بمندرجات مراسله خود مورخه هفدهم شوال معطوف نموده احترامات فائمه را تجدید می نمائیم علی محمد وزیر زاده

### ایرانیان بخوانند

پس از آنکه کشتی بحیات استقلال یک ملت نجیب متلاطم باشد بحیات دادن او از اهم وظائف آدمیت و نخستین تکلیف بشریت افراد آن مملکت است اما کابینه های ما تاکنون صورت بقاء و استمرار و اتحاد مسلک و روش اداره نداشته، مدتی به تبدیلات و تغییر اشکال و تعویض اشخاص و مدتی در صدد مدافعه با دسته وزرای معزول و وزراء مستعده الوزاره بعد از خودشان بوده و منکر تاسیس اداره مملکتی هم بوده اند تا شاید خدای نکرده اگر معزول بشود هیئت اداره اعمال راجحه آن ها را مرتب دارند، یعنی هنوز میل تضاروت و حکومت شخصی (من میگویم) در منفر منفر ایشان بلکه راسخه گشت از عملیات زحمت هر

عاقبت کشف میکنند که از سوبدایی دل راضی نیستند که اداره آنها بکلمه (قانون چنین میگردد) مرتب باشد، اینست که در عهد هر وزیر اعضاء ادارات سابق غالباً معزول یا خائب از عزل میشوند، بچاره وزراء گاهی در فکر صیانت جبهات شخصی اند و گاهی مشغول مدافعه از امثال و اقران و گاهی مجادله با ارباب جرائد، زیاده بر این از حوصله بیگانهتر ایرانی تربیت شده بمادات دوره استبداد بیرون است باید اعضاء دارالشورای محترم و کابینه وزراء و هیئت روحانیه و اعیان و تجار و اصناف و رنج بران و غیره که هر یک در این مقام جان بازی بعبارت و قانیه سازی استکفا کرده اند بدانند که غایلات سیاسیه دول موافق آراء خودسرانه بی دلیل ما نخواهد شد، امروز که رستخیز ایران است بایست زبان به نند و بازو بکشایند و به التناظ شیرین دل حوش ندارند و لفظهای خالی را وظیفه منحصره نه بندارند، بعلم شرعی و بصیرت فلسفه استقلال ملت تکلیف معینه و وظیفه منحصره امروزه را غزا و جهاد دفاعی اسلامی بدانند از عملیات جهاد دفاعی که بضرورت حس بشری بر هر فردی از افراد ایران حق و زها و مخدرات متوجه است شاه حالی نکرده طفره نزنند، نه خود مغرور باشند و نه دیگران را اغفال نمایند، پروتست لفظی از هر ملت قانداحلش و پیش آهنگ قدرت قاهره ملیه است، و بیانات تا متبع قوای خارق العاده اتفاق ملی نکرده جز تمویج دروات هوا فائده نه بخشد

عجبا رؤسای ملت ایران بجه عقل حمل و بجه برهان حکمت نظری جلد از ترکیب بدی حروف و امراض الفاظ را مصادم ثوبهای مترالبوز داسته اند و بجه دلیل شرعی خزاء اسلامی را مبدل به تسوید اوراق و صفحات قرطاس نموده اند گویا خود را مغرور و ملت را اغفال میبایند که ما بوظیفه امروزی حمل کردیم و تکالیف اسلامی را ادا نمودیم، در کدام تاریخ و کدام عصر و کدام ملت با حوش در مقابل نهام و حملات قشوی احاب و دشمنان دین و دولت ما لفاظ تنها قناعت کرده اند؟ مثلاً شب عید نوروز رؤساء بلاد مختلفه تلگراف عزای عید میزنند چون قشوق روس

حدود شالی را اشغال دارد ما ما در شب عید  
 حشیدی شیرینی نخریدیم دست و بلیه خود را  
 سناه نگذاشتیم و باطفالمان رخت قرمز نبوشانیدیم  
 و اطهار سوگواری از وجود طاعیان روسی نمودیم.  
 شما ما هم همین طور بکنید شاید بواسطه نخریدن  
 شیرینی عید قشوت روس بزودی مراجعت نماید  
 گاهی حرارت فریزیه دماغش را نحریرک  
 نموده ما منتهای حیت و عبرت فطری اقدامات مجده  
 کرده در هر شهری و محلی و فصبه مقدسین و پیره  
 مردهای دیا دیده و کلین قوم را جمع آوری نموده  
 در مقام علاج برسی آیند. از مرضلع مجلس صدائی  
 و از هر زاویه بدان بلند می کنند که اید بر دست کرد  
 محروان اغراق بویس گزاه گویان بر نحو مطالب  
 و بعض کاترا نخر بر میکنند. از اول این حله تا آخر  
 همه کی روی محده نرم جائی و قلبان و آب و خوراکی  
 و سایر لوازم موجود. باکال بشاشت مجلس ختم میشود  
 هر مرشدی بریدان این بویدرا مال تراز فتح قادسیه  
 و نه اید بخرج میدهد. ولی یکماه دوماه سه ماه ده  
 ماه و هندماه میگردد هیچ اتوی بر آن پروتست  
 مرتب میشود باز دفعه نانی و نالت و رابع و و و -  
 بمتجاوزین اثر میکند.

ای رؤسای ایران ما منکر این اعمال مایبی شما  
 نستیم ولی اگر پروتستهای شما دارای فعالیت نباشد  
 هیچ متجاوزی وقتی بر این حجت شما نگذارد و وجود  
 آنها را کادم بدارد. چه مدیری برای آخرین روز  
 خود اذکار کرداید و بجه مستمکی توسل خواهید  
 حست و بکدام قوه. جواب این متجاوزین را  
 خواهید داد. و بکدام حکت عملی متشبت  
 خواهید شد.

حکا گفته اند عاقل آست سکه مدوا اقدام  
 خود را خسران و شر فرض نموده. قبل از وقت  
 بتدارک آت پردازد. و اگر خیر پیش آید  
 و ایگان باشد اگر خود شما ما بیدانید یاد بگیریید  
 و اگر یاد دارید چرا ملت را انفسال کرده بخواب  
 خرگوشی انداخته اید. آخر نه دهقانان و بزرگران  
 شما را قائد ملت و نگه بان مملکت میداند و باطمینان  
 حکمت نظریه و عملی شما مطمئن خاطر اند. که شما  
 طموریت فطری اینخاسب طایه را که در خود سراغ  
 دارید بخوبی انجام خواهد داد و شرایط پیش آهنگی

را مجری داشته بوظایف سالک خواهید بود. قبل از  
 وقوع مخاطرات علاج ناپذیر یا اخبارات اطمینان  
 بخش بملت بدهید یا ناامیدی و لا علاجی کار را  
 شفاها بملت تبلیغ نماید سکه علاج این دهمتها  
 بافاق شماها است. اگر اقدام نکنید عنقریب اسیر  
 و دستگیر خواهید شد و بدست اعدا عدو اسلامیان  
 زبون خواهید گشت. نکشد زمانی که مساجد شما را  
 کلیسا خواهند کرد و مقار اجداد شما بهال کار خنجات  
 و کلیسا ها. اذان شما بیانگ ناقوس مبدل میشود  
 عزت شما بذات ( ان الملوك اذا دخلوا قرية افسدوها  
 و جعلوا عزة اهلها افلة )

حال علاج این درد بی درمان چیست. علاج بتزید  
 و دوران و محکمیت حس و وجدان و برهان مندی  
 نوع بنسراتاق و جهاد دفاعی است که و حوب و لروم  
 آن در صورت تهاجم اعدای دین. از ضروریات مذهب  
 بلکه از ضروریات و مسلمات دین حنیف اسلام است  
 که در صورت تهاجم دشمن بمملکت اسلامی جهاد  
 بدون استثناء و تمام مردها بلکه زنها هم واجب است  
 و هیچ کس از نژاد ایرانی عذر و وجهی از توجه  
 این تکلیف ندارد جز تبلی و بی حسی و بی شرفی  
 و فساد عقیده مذمی و ضعف عقیده روز جزاء.  
 طفره و تااند از اقدام عملی باین جهاد موجب  
 فسق و کفر است هر فرد ایرانی بتصرفات شرع  
 مقدس نبوی لازم و حتم است حق بر نسوان. ما تصدیق  
 داریم که همه کس اهل مبارزت نیست ولی اصناف قشون هم  
 نباید همگی اهل رزم باشند خدمات دیگر هم هست  
 هر کس بشغل اید ملتزم بشود و این مرتبه از لزوم  
 دفاع او فطری است نوع بشر است. همه ملل دنیا باطمینان و  
 لزوما دفاع از جان و عرض و مال را حتمی میدانند  
 از مقتضیات ذاتیه بشری است که طباع نوع انسان  
 مجبول بر آن است و عقل نیز مدرك و کاشف از  
 همین امر فطری جبلی است و شرع اقدس اسلام  
 هم که سیدالادیان است همین امر فطری جبلی را  
 که نقل مدرك آن بوده بیان فرموده مدافعات دول  
 و ملل عالم قبل از شرع اسلام و هم چنین مدافعات  
 طوائفی که صیبت اسلام را استماع نموده اند همگی  
 مستند بر این امر فطری بوده حتی مسلمانان نزد  
 و راهزن را شرع اسلام مسلوب الحرمة و مهدورالدم  
 فرموده کیف بنیر اسلام



## قتل از روزنامه شریفه ایران نو

( پیش آهنگان انقلاب روسیه )

تلگراف مجدداً خبر هیجان و ناپشاهی ملی روسیه را خبر میدهد

ما راست که از صمیم قلب پیش آهنگان انقلاب روسیه را سلام و درود فرستیم ! ملت بهیجان می آید ، صدای اعتراض از هر گوشه مملکت بلند میشود . حکومت امپراطوری و ارتجاع مدعی روسیه دیگر ازین پیش قابل تأمل نیست ، درخشان آزادی پیوده خیال می کنند که آتش انقلاب برای همیشه در اعراق قلوب عوام و مردم روسیه خاموش شده است . اخبارات اہم اخیرہ این تصور رجال دربار روس را تکذیب نموده و اشعار می دارند کہ حرکات انقلابکارانہ کہ فقط مخصوص ملت روس نبوده و عموم در آن اشتراک دارند اینک علامات خود را نشان میدهد

ملت روس در جادہ تنظیم و ترتیب امور خود افتاده و عناصر با وجدان و فوقش بکوچہما افتاده ستم حکومت را تلقین میکنند ، عبارت منقوش بیرقہای ناپیش دهندگان پترسبرگ این بوده است کہ ( نمی توانیم ساکت باشیم ) آری ، ملت روسیہ مرکز نمیتواند خاموش نشیند و در مقابل خونریزیها ، اعدامها ، تضییق های دربار ستم شمار روسیہ تاب سکوت ندارد ، حکومت تار مارہ می کشد ، می بندد . خونریزی می کند و ہیبت ملت روس را از هرگونه حقوق بشری و طبیعی محروم میدارد ، همه جا محبس و زندان ساخته شده است ، صفحہ وسیع سبیریہ با تبعید شدگان و منیان مسکون کشته و چوپہ های دار های اعدام و قتل همه جا سر بر آورده و جنایات ناشنیدن ہمارہ تکرار می یابد

تمام احکامات و فرامین حکومت روسیہ ہما در لفظ ( بکش ) اختصار می یابد ! فقط ہوسیلہ دہشت قتل و اعدام است کہ می خواهد بجنایات استبدادی خود کہ تاریخ عالم بیاد ندارد دوام دهد و بر ضد همین اقدامات خونریز حکومت است کہ ملت روس چند روز پیش صدای اعتراض را ظنیر انداز سراسر جہان نمود

تقوم جریبات احکامات دربار ارتجاع پرور روسیہ ہمارہ خونین است ، هیچ ارتجاعی باین اندازہ

خونین ، سخت ، شدید ، تضییق کار ، تحمل ناپذیر و خارج از مبادی السابیت نبوده و نیست ، صورت احصائیہ دہشتہای حکومت در حق انقلابیون حقیقتاً نہایت موجب اہم و تأثر می گردد ، حق در جنک های افریقای سیاہ نیز چنین جنایاتی بحدوث نرسیده است بموجب صورتہای سرشاری کہ خود دربار روسیہ اعلام داشته است خدمتگاران حکومت ارتجاعی روس در چہار سال از قرار شرح ذیل از انقلابیون اعدام نموده است

در سال	۱۹۰۵	—	۱۰	نفر
"	۱۹۰۶	—	۱۱۴	"
"	۱۹۰۷	—	۱۱۳۹	"
"	۱۹۰۸	—	۸۲۵	"

ولی این صورت فقط شارهٔ بدار کشیدگان را می نماید ، عجیباً کہ میتواند بحساب محبوسین و حبس شدگان کہ در گوشہ زندانہا بدرود زندگان کشته و یا در منقارہای منجمد صفحہ سبیریہ رسیدگی کند ؟ ایجا دیگر صورت احصائیہ رسمی موجود نیست کہ درست شرح عدۂ این بدبختان ستم دیده را بنمایند ، معلوماتی کہ از منابع فرقه های انقلاب بدست آمده است عدۂ تبعید شدگان سیاسی را بدہ ہزاران افراد بشری میرساند ، برای آسکہ این حرکات حکومت روسیہ را بیشتر بوضوح رسام باید متذکر شویم کہ حزای اعدام و تبعید در حق تمام افراد اناث یا ذکور بالغ و نابالغ بہ اجرا میرسد و محکوم ہر سنی کہ باشد حق دوازده و سیزدہ سالہ ہم مجازات می شود ، چنانچہ اتفاق افتاده است کہ خانوادہ ہما را کلاً تبعید نموده اند و کودکان شیرخوارشان را نیز از موطن اصلی دور کرده اند آیا این اندازہ ظلم و ستمی کہ در روسیہ روی میدہد بجائی انہا می یابد ؟

استبداد میخواید بہرطور باشد استبدادی خود را دوام دہد ، و ہمین جہت است کہ برای اجرای این مقصد می بینیم ہمارہ بر شارهٔ ژاندارم ہما و خفیہ ہا می افزاید و بر بودجۂ مخارج مخفیہ پیوستہ علاوہ می شود ، صورت احصائیہ طالبانی روسیہ می نماید کہ در سوریکہ ہر فردی از افراد ملت پیش بچاہ کبک در سال برای مخارج تعلیم عمومی وہ شرمعارف نمی بردازد دوازده منات برای مخار